



## The prehistoric Periods in the Khorramabad Valley: A Reassessment of the Pottery Assemblages from Judith Berman's Survey and Frank Hole's Soundings

Saman Mostafapour and Ata Hasanpour

### Abstract

Thanks to its favorable environment and strategic location, the Khorramabad Valley supported continuous human settlement from prehistory through the Islamic era. This long-term occupational sequence offers a valuable opportunity to examine the transition between successive cultural horizons. Yet, despite considerable archaeological interest in the valley, published data remain heavily concentrated in the Palaeolithic period, leaving significant gaps in the record for later eras. Situated between the distinct cultural spheres of the Khuzestan lowlands and the Central Plateau, the valley likely served as an important prehistoric corridor for trade and cultural interaction. However, key datasets from this region remain unpublished—most notably, Judith Berman's 1979 survey and the ceramic assemblage from Frank Hole's 1960s excavations at Ghamari Cave. Berman's survey identified occupational evidence from the Palaeolithic through the late Islamic periods, including 15 sites dating between the Palaeolithic and the Bronze Age. Similarly, Hole's excavations at Ghamari Cave yielded materials that bridge the late Chalcolithic and Bronze Age, with the Gelal (Khorram) River apparently serving as the primary catalyst for settlement in this area. This article introduces these prehistoric sites by synthesizing previously unpublished materials from Berman's survey and Hole's excavations.

**Keywords:** Lorestan, Khorramabad Valley, Pleistocene, Holocene, Judith Berman, Frank Hole, Prehistory.

<https://doi.org/10.22034/JINM.2026.2084695.1113>

© 2025 Iran National Museum. All rights reserved

### دوره پیش از تاریخ در دره خرم‌آباد: بازخوانی مجموعه‌های سفال بررسی جودیت برمن و گمانه‌زنی فرانک هل

سامان مصطفی‌پور\* و عطا حسن‌پور\*\*

#### چکیده

دره خرم‌آباد، از گذشته‌های دور تاکنون با توجه به دارا بودن شاخصه‌های محیطی مطلوب و موقعیت مکانی ممتاز خود، از ظرفیت بالقوه‌ای برای پذیرش گروه‌های انسانی برخوردار بوده است. این ویژگی، آن را به عرصه‌ای ارزشمند برای پژوهش‌های تطبیقی و مطالعات تحول الگوی استقرار در بستر زمان تبدیل کرده است. تا به امروز مطالعات گسترده‌ای در ارتباط با خرم‌آباد انجام شده، اما به جز دوران پارینه‌سنگی اطلاعات بسیار محدودی از دیگر دوره‌های فرهنگی این محدوده منتشر شده است. بی‌تردید، تبیین و روشن‌گری قابلیت‌های سکونت‌پذیری و الگوهای استقرار در پهنه‌های متفاوت جغرافیایی-فرهنگی و ارائه این داده‌ها به جامعه علمی، نقشی کلیدی در تکمیل نقشه باستان‌شناسی این منطقه ایفا می‌کند. دره خرم‌آباد در حد فاصل منطقه پست خوزستان و فلات مرکزی واقع شده است که در دوران پیش‌ازتاریخ حوضه‌های فرهنگی مجزایی به شمار می‌رفته‌اند. این موقعیت جغرافیایی می‌توانسته زمینه‌ای برای ارتباط فرهنگی و تجاری این منطقه با مناطق ذکر شده باشد. بررسی جودیت برمن در اواخر ۱۳۵۷ و گمانه‌زنی سال ۱۳۴۴ فرانک هل و کنت فلنری در غار قمری از جمله پژوهش‌های میدانی است که اطلاعات آنها هیچ‌گاه منتشر نشده است. طی بررسی برمن آثار و بقایایی از دوران پارینه‌سنگی تا دوران متاخر اسلامی شناسایی شد که در میان آنها، ۲۳ محوطه مربوط به دوران پیش‌ازتاریخ (از دوران پارینه‌سنگی تا دوره مفرغ) است. همچنین سفال‌های به‌دست آمده از غار قمری از اواخر دوره مس و سنگ جدید تا دوره مفرغ را دربر می‌گیرد. نگارندگان در این مقاله در پی معرفی محوطه‌های پیش‌ازتاریخ دره خرم‌آباد بر اساس بررسی برمن و گمانه‌زنی هل و فلنری در غار قمری هستند. بررسی‌ها نشان داده که رودخانه گه‌لال (خرم‌رود) در دره خرم‌آباد اصلی‌ترین نقش را در شکل‌گیری این استقرارهای پیش از تاریخی دارد.

**واژگان کلیدی:** لرستان، دره خرم‌آباد، پلیستوسن، هولوسن، جودیت برمن، فرانک هل، پیش‌ازتاریخ

\* دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران [soranmostafapour@gmail.com](mailto:soranmostafapour@gmail.com)

\*\* مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان لرستان [atahasanpur@gmail.com](mailto:atahasanpur@gmail.com)

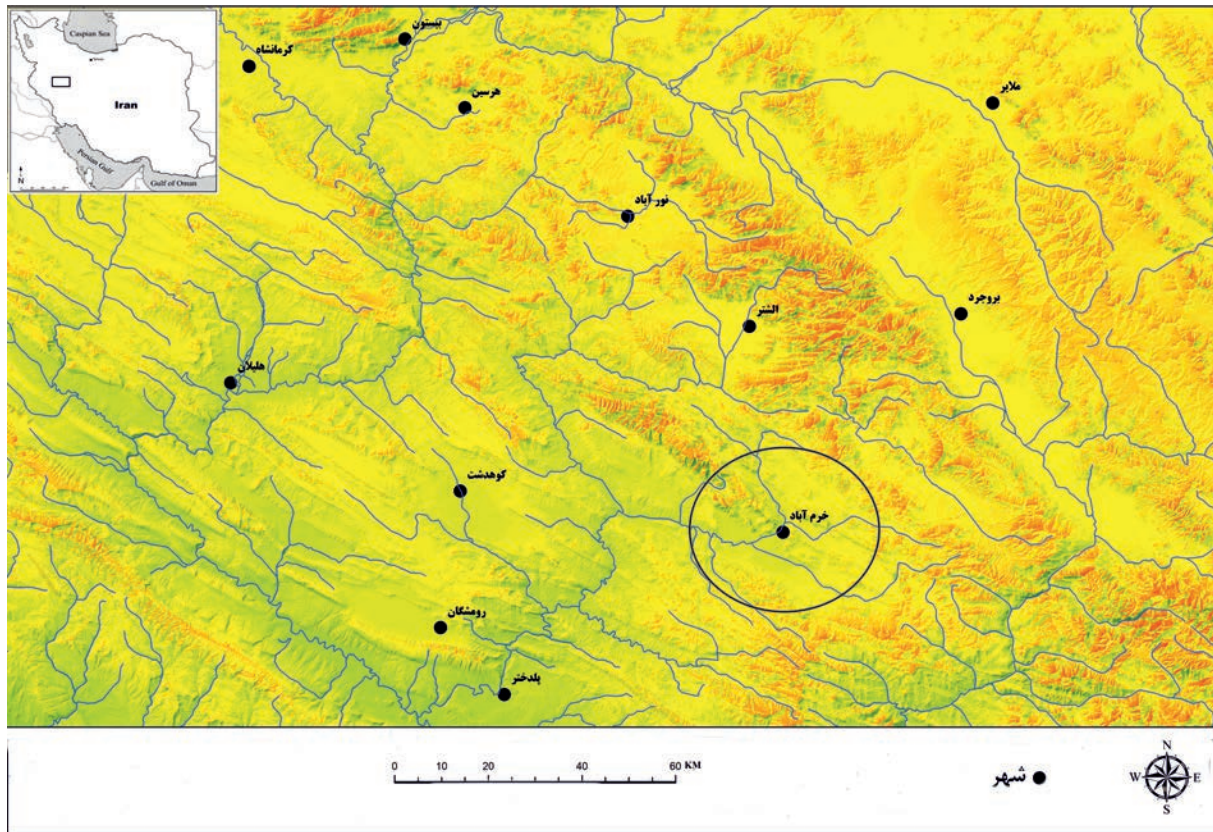
## درآمد

دره خرم‌آباد در میانه رشته‌کوه‌های زاگرس، در میان دو رشته‌کوه سفیدکوه (از جناح شمال غربی) و سیاه‌کوه (از جناح جنوب شرقی) واقع شده است. این دره از لحاظ راهبردی، گذرگاه ارتباطی عمده میان فلات مرکزی ایران و دشت‌های پست جنوب غرب کشور محسوب می‌شود. به دلیل برخورداری از شرایط زیست محیطی مطلوب، این منطقه از دوران پیش‌ازتاریخ مورد توجه جوامع انسانی قرار داشته است. از عوامل مهم برای سکونت در این دره می‌توان به دسترسی به منابع آب دائمی، پوشش گیاهی انبوه و متنوع، حاصلخیزی خاک، به‌ویژه در پهنه آبرفتی، که زمینه را برای سکونت در غارهای منطقه و شکل‌گیری استقرارهای پیش‌ازتاریخی در منطقه فراهم ساخت، اشاره کرد. برهم‌کنش‌های بین انسان و محیط زیست از اصلی‌ترین محرک‌ها برای دگرگونی‌های فرهنگی به حساب می‌آید. اطلاعات به‌دست آمده در مورد غرب زاگرس متکی بر نتایج پژوهش‌های انجام شده بر مغزه‌های دریاچه زربار مریوان (Van Zeist & Wright; 1963, Van Zeist & Botesma 1977, 1991, Stevens et al. 2006)، دریاچه میرآباد پلدختر (Stevens et al. 2006)، تالاب هشیلان (صفایی راد و دیگران ۱۳۹۳) حاصل شده است. به نظر می‌رسد که تا اواخر دوره پارینه‌سنگی جدید که همزمان با اواخر پلیستوسن است، شرایط مناسبی برای ایجاد تغییر در سیستم معیشتی از شکار و گردآوری خوراک به کشاورزی، دامداری و یکجانشینی فراهم نشده است و تغییرات شکل گرفته به صورت بسیار تدریجی و بلند مدت بوده است. این در حالی است که زمان مناسب برای نخستین تغییرات بزرگ و بنیادین در زندگی انسان مصادف با آغاز دوره اقلیمی-زمین‌شناختی هُلوسن در حدود ۹۷۰۰ پیش‌ازمیلاد است. در ابتدای این دوره با مساعد شدن هوا، دسترسی به منابع غذایی بیشتر میسر شد و با فراهم شدن این شرایط، شیوه معیشت جدیدی به وجود آمد که همان یکجانشینی همراه با تولید غذا و اهلی سازی بود. این تحولات اقلیمی در غرب ایران نیز با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده در دریاچه زربار مشهود است. با عنایت به پژوهش‌های انجام شده، مجموعه داده‌های نسبتاً غنی و گاه‌نگاری شده از دوران پارینه‌سنگی در محدوده دره خرم‌آباد، به‌ویژه از پناهگاه‌های صخره‌ای و غارهای این دره است؛ لیکن شناخت ما از فرایند گذار به نوسنگی و جوامع یکجانشین اولیه در این منطقه، به‌رغم انجام بررسی‌ها و کاوش‌های میدانی متعدد، همچنان پراکنده، محدود و فاقد یک چارچوب تفسیری منسجم در مقیاس منطقه‌ای است که این امر لزوم تعریف پروژه‌های هدفمند با رویکردی مسئله محور را بیش‌ازپیش ضروری می‌کند. برای این منظور مجموعه‌های سفال دوره مس سنگی و مفرغ مربوط به شماری از مکان‌های دره خرم‌آباد است که در بررسی جودیت برمن و همچنین کاوش فرانک هُل در غار قمری برای نخستین بار به‌طور جامع

مطالعه می‌شود. در گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناسی دره خرم‌آباد ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی) توسط جودیت برمن، بر مبنای یک فصل بررسی میدانی فشرده، ۱۴۸ محوطه (شامل: ۹۷ استقرار عشایری، ۱۱ تپه استقراری، ۲۹ پراکنش سطحی سفال، ۵ غار و ۶ محوطه از انواع دیگر) شناسایی و مستندسازی شد که گواهی بر قابلیت بالای سکونت‌پذیری این دره از دوره پارینه‌سنگی میانه تا دوران اسلامی است (Berman 1978). علاوه بر مطالعه این یافته‌ها، در این پژوهش، مجموعه سفال‌های کاوش سال ۱۳۴۴ خورشیدی (۱۹۶۵ میلادی) غار قمری توسط فرانک هُل که اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود، با هدف تحلیل گونه‌شناختی، فن‌ساخت و تعیین جایگاه گاه‌شناختی و فرهنگی آن در گستره زاگرس مرکزی، به ویژه دره خرم‌آباد مورد مطالعه قرار گرفته است.

## جغرافیا و زمین ریخت دره خرم‌آباد

همانطور که آدامز در بررسی‌های خود در بین‌النهرین و دشت شوشان نشان داد تفسیر معنادار داده‌های باستان‌شناختی مستلزم قرار دادن آنها در بافت محیطی گسترده‌تر است (Adams 1965)، این رویکرد که بر تحلیل تعامل پویای جوامع انسانی با جغرافیا، منابع و اقلیم تاکید دارد، چارچوبی کلیدی برای مطالعه منظر فراهم می‌آورد. پایبندی به این پارادایم در مطالعه مناطق حاشیه‌ای مانند لرستان امکان درک عمیق تری از سازوکارهای تحول اجتماعی در بافت‌های جغرافیایی متنوع را فراهم می‌سازد. دره خرم‌آباد در میان رشته کوه‌های سفید و یافته از غرب و کوه‌های مدبه و شیرکشان در شمال و کاکاشرف در جنوب‌شرقی و کوه‌های باوی و شهنشاه در جنوب خرم‌آباد قرار دارد. مساحت این دشت حدود ۱۴۰ کیلومتر مربع و ارتفاع متوسط آن از سطح دریا ۱۱۳۰ متر است. شهر خرم‌آباد در وسط این دشت واقع شده است (شکل ۱). پیش‌آمدگی رشته سفیدکوه در بخش غربی این دشت باعث تقسیم آن به دو قسمت شمالی و جنوبی شده است. این امر باعث شده که بخش شمالی آن ناهموار و بخش جنوبی تقریباً جلگه‌ای باشد. در حدفاصل بخش شمالی و جنوبی عرض دره به حداقل، یعنی حدود دو کیلومتر می‌رسد. عبور رودخانه خرم‌آباد از این دشت سبب تقسیم شهر خرم‌آباد به دو قسمت نامساوی شرقی و غربی شده است. طبق مطالعات خاک‌شناسی که روی دره خرم‌آباد انجام شده، ساختار خاک آن از سنگ‌های آهکی، سنگ‌های سلیتی، آهک‌های دولومیتی، ماسه سنگ، مارن، آهک‌های مارنی و آهک ماسه‌دار، شیل، کنگلومرا و... تشکیل شده است. در اکثر تاقدیس‌های لرستان سازندهای آسماری، شهبازان، گروه بنگستان و گاهی سازندهای قدیمی‌تر دارای بیرون‌زدگی هستند (مطیعی ۱۳۷۲: ۶۸۳). از آنجا که زون زاگرس از لحاظ ساختاری بخش‌های متفاوتی دارد، خود باعث ایجاد چشم‌اندازهای متفاوتی در این منطقه



شکل ۱. موقعیت خرم‌آباد نسبت به شهرهای اطراف (نقشه از: عباس باورسای)

پژوهش‌های فون زایست و رایت (۱۹۶۳ میلادی) در دریاچه زرباره، گریفیت و همکاران (۲۰۰۱ میلادی) در دریاچه میرآباد، صفایی و همکاران (۱۳۹۳ خورشیدی) در تالاب هشیلان، به‌طورکلی می‌توان گفت که با شروع دوره بین یخبندان هُلوسن (۸ تا ۴ هزار سال پیش‌ازمیلاد) گندمیان جایگزین اسفناجیان و درمنه شد و درختان بنه و بادام رشد کرد. چنین تغییری در پوشش گیاهی نشان‌دهنده افزایش بارش است. افزایش گرده بلوط در اواسط هُلوسن نیز بیانگر بیشتر شدن رطوبت است (عزیزی و همکاران ۱۳۹۶). دانسته‌های ما از آب‌وهوای دوره هُلوسن در زاگرس مرکزی نشان می‌دهد که از ابتدای دوره هُلوسن تا ۴۵۰۰ پیش‌ازمیلاد آب‌وهوای منطقه خشک‌تر از شرایط کنونی بوده است (Stevens et al. 2006: 494). این روند از دوران هُلوسن متأخر (حدود ۴۵۰۰ پیش‌ازمیلاد) شروع به تغییر کرده و با افزایش باران‌های بهاری سیمای مرطوب‌تری به منطقه داده است (Stevens et al. 2001: 754). با این حال در خصوص اقلیم و پوشش گیاهی نشان می‌دهد از ۴۰۰۰-۸۰۰۰ پیش‌ازمیلاد جنگل‌های استپی بلوط و پسته کوهی در زاگرس مرکزی گسترده شده بودند. با افزایش رطوبت از ۴۰۰۰ پیش‌ازمیلاد به بعد، افزایش رطوبت که یا ناشی از افزایش بارش و یا ناشی از کاهش دما بوده، باعث گسترش درختان بلوط می‌شود؛ اما به نظر می‌رسد با توجه به آب شدن یخچال‌های طبیعی زاگرس طی ۲۰۰۰-۵۰۰۰

شده است (درویش‌زاده ۱۳۷۰: ۱۹۸). از مطالعات مهم در دانش زمین‌شناسی منطقه مرکزی لرستان می‌توان به سازند کشکان اشاره کرد. این سازند در محل تلاقی رود کشکان با دامنه شمال شرقی کوه امیران دارای نمونه مقطعی به ضخامت ۳۷۰ متر و از نظر سنگ‌شناسی شامل کنگلومرا، ماسه سنگ و سیلتسوند قرمز رنگ است که قسمت اعظم آن از چرت‌ها و رادیولاریت‌های قرمز رنگ، فراهم آمده است (مطیعی ۱۳۷۲: ۲۹۷). پوشش گیاهی در هر منطقه تحت‌تأثیر آب‌وهوا و فعالیت انسانی است؛ بنابراین، بررسی تغییرات پوشش گیاهی در طول زمان اطلاعات سودمندی در مورد تغییرات آب‌وهوایی گذشته و نیز نقش و دخالت انسان در تغییر و تحول درازمدت پوشش گیاهی فراهم می‌کند (عزیزی و دیگران ۱۳۹۶). در ارتباط با دیرین‌اقلیم منطقه مطالعات پژوهشگران نشان می‌دهد گرده‌شناسی روشی معتبر در بازسازی دیرینه اقلیم است. کوهستان زاگرس که از شمال غربی تا جنوب شرقی ایران امتداد دارد دارای ظرفیت بی‌ظنیری برای انجام پژوهش‌های دیرین‌بوم‌شناسی به‌منظور بازسازی پوشش گیاهی و آب‌وهوای منطقه خاورمیانه برای پلیستوسن پسین و هُلوسن است. علت آن نیز در ارتباط با اهمیت منطقه زاگرس به‌عنوان بخشی از هلال حاصلخیزی خاورمیانه است که از نخستین مکان‌های شکل‌گیری کشاورزی و اهلی کردن جانوران است (صفایی‌راد و همکاران ۱۳۹۳: ۲). با توجه به شواهد گرده‌های گیاهی و نتایج

آثار تاریخی این منطقه بازدید کرد (Kleiss 1975). در همین دوره، هنری رایت مطالعاتی را روی مجموعه سفال‌های غار کنجی انجام داد (Wright et al. 1975) و در گمانه‌زنی‌های خود در تپه ماسور خرم‌آباد، موفق به شناسایی شواهدی از سفال‌های مربوط به دوره گودین V (VII-2) شد (Wright & Johnson 1987). در سال ۱۹۷۸ میلادی، جودیت برمن بررسی جامعی در دره انجام داد که منجر به شناسایی ۱۴۷ محوطه باستانی شد (Bremner 1978). در ادامه، در سال ۱۳۷۹ خورشیدی، با هدف شناخت زمینه‌های فرهنگی مرتبط با قلعه فلک‌الافلاک، بررسی گسترده و غیر فشرده‌ای در محدوده دره صورت گرفت (جواد و نوروز برازجانی ۱۳۷۹). همچنین در همان سال، روستایی و همکاران مطالعاتی را با هدف شناسایی محوطه‌های پارینه‌سنگی در دره انجام دادند (روستایی و همکاران ۱۳۸۰). در سال ۱۳۸۷، علی سجادی به گمانه‌زنی در محدوده قلعه فلک‌الافلاک پرداخت (سجادی و همکاران ۱۳۸۷)، و پرویز نیز در همان سال بررسی فشرده‌ای در دره به انجام رساند (پرویز ۱۳۸۸). در سال ۱۳۹۱ غارهای گیلوران و کنجی و پناهگاه صخره‌ای گر ارژنه مورد گمانه‌زنی قرار گرفت (بازگیر ۱۳۹۳). در سال ۱۳۹۳، بهروز بازگیر و مزگان جایز در غار کلدراک و لایه‌نگاری کردند و لایه‌های فرهنگی مهمی از دوره پارینه‌سنگی این ناحیه را آشکار ساختند (بازگیر و جایز ۱۳۹۳).

در سال‌های اخیر، دامنه پژوهش‌های میدانی در این حوزه افزایش یافته است. از جمله می‌توان به کاوش‌های فریدون بیگلری در سال ۱۴۰۳ در غار قمری خرم‌آباد اشاره کرد که اطلاعات تازه‌ای درباره توالی فرهنگی پیش از تاریخ در این غار فراهم ساخت (بیگلری و شیدرنگ ۱۴۰۵). همچنین در همان سال، حمزه قبادی‌زاده اقدام به گمانه‌زنی با هدف لایه‌نگاری در

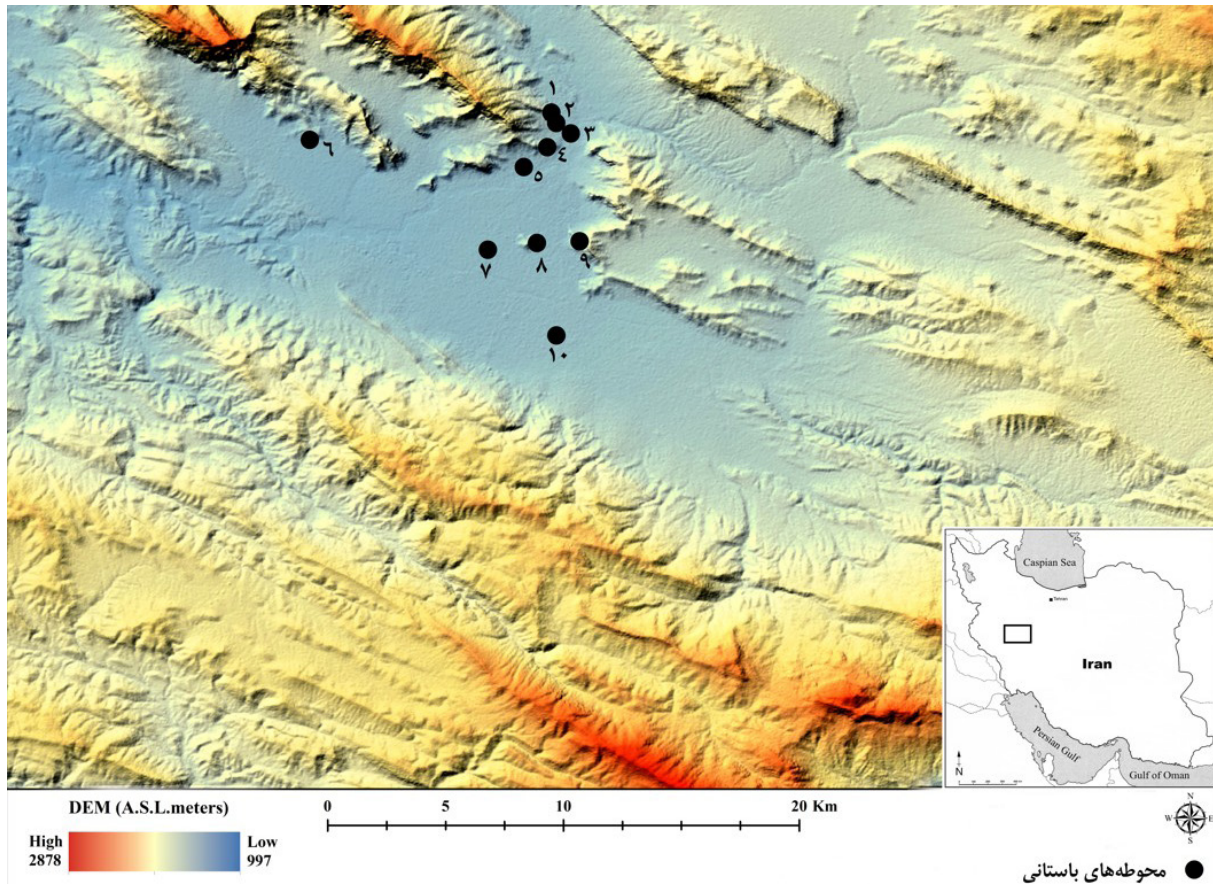
پیش‌ازمیلاد افزایش یک تا دو درجه‌ای دما در این زمان رخ داده باشد و افزایش رطوبت، ناشی از افزایش بارندگی بوده باشد. تا پیش از ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد روان‌آب‌ها در زاگرس مرکزی ناشی از ذوب شدن یخچال‌های طبیعی زاگرس مرکزی بودند، اما پس از آن بین رفتن این یخچال‌ها، روان‌آب حاصل از ذوب برف جایگزین شده است، طی این زمان، آب‌شدن یخچال‌ها، باعث افزایش آب‌های سطحی مناسب کشاورزی شد (رائمن ۱۳۹۵: ۴۳، ۴۵).

### پیشینه پژوهشی

از سده نوزدهم میلادی تاکنون، توجه شمار زیادی از شرق‌شناسان، مردم‌شناسان و باستان‌شناسان ایرانی و خارجی به دره خرم‌آباد معطوف شد. نخستین اشاره مستند به مطالعات علمی در این منطقه، مربوط به بازدید هنری راولینسون در سال ۱۸۲۶ میلادی است (راولینسون ۱۳۶۲). پس از وی، ارنست هرتسفلد در سال ۱۹۲۹ میلادی بررسی‌هایی در دره انجام داد و نخستین مشاهدات علمی از منظر باستان‌شناسی تاریخی این دره را ارائه کرد (Herzfeld 1929). آغاز مطالعات پارینه‌سنگی در دره خرم‌آباد را باید به پژوهش‌های هنری فیلد در سال ۱۹۵۰ میلادی در غار کنجی نسبت داد. این پژوهش‌ها سرآغازی برای مطالعات پارینه‌سنگی در حوزه فرهنگی خرم‌آباد محسوب می‌شوند (Field 1951). در فاصله سال‌های ۱۹۶۳ تا ۱۹۶۵ میلادی، فرانک هل و کنت فلانری بررسی‌های گسترده‌ای را در دره انجام دادند و موفق به شناسایی ۱۷ محوطه پارینه‌سنگی شدند (Hole 1968 & Flannery). در سال ۱۹۷۱ میلادی، کلر گاف مید به بازبینی و تکمیل مطالعات پیشین پرداخت (Goff 1971)، و اندکی بعد، ولفرایم کلابس در سال ۱۹۷۳ میلادی از

مرکز فلات ایران	زاگرس شمالی	شرق زاگرس مرکزی	غرب زاگرس مرکزی	بین‌النهرین
۳۰۰۰	کورا ارس	کورا ارس	گودین VI	مفرغ قدیم
۳۲۰۰				
۳۴۰۰	سفال با سطح کاه‌دار	گودین VII	گودین VII-VI	مس‌وسنگ جدید
۳۶۰۰				
۳۸۰۰				
۴۰۰۰	پیزدلی	سه‌گابی	ماران	مس‌وسنگ میانه
۴۲۰۰				
۴۴۰۰	دالما	دالما	سیاه‌بید	مس‌وسنگ قدیم
۴۶۰۰				
۴۸۰۰	حاجی‌فیروز	شهن‌آباد	سفال J	مس‌وسنگ انتقالی
۵۰۰۰				
۵۲۰۰				نوسنگی جدید

جدول ۱. جدول گاهنگاری ایران و میان رودان تا پایان دوره مس‌وسنگ (Renette & Mohammadi Ghasrian, 2020: 122, Table 1).



شکل ۲. موقعیت محوطه‌های پارینه‌سنگی تا نوسنگی در دره خرم‌آباد (۱). غار قمری، ۲. پناهگاه صخره‌ای پاسنگر، ۳. قلعه فلک‌الافلاک ۴. تپه خضر، ۵. محوطه باغ نو، ۶. غار آب‌زاده، ۷. تپه ماسور، ۸. پناهگاه صخره‌ای گراجنه، ۹. غار کنجی، ۱۰. تپه دارایی (نقشه از سعید بهرامیان).

در دره خرم‌آباد طی سال ۱۳۵۷ خورشیدی (۱۹۷۸ میلادی) و همچنین مجموعه سفال‌های به‌دست آمده از کاوش سال ۱۹۶۳ فرانک هل در غار قمری می‌پردازد. با توجه به نبود مختصات جغرافیایی بیشتر محوطه‌های شناسایی شده و عدم آگاهی از موقعیت مکانی آنها، تنها دوره‌بندی و یک چهارچوب مقایسه‌ای اولیه برای مواد فرهنگی انجام خواهد شد. کد محوطه‌های باغ نو، دارایی و ماسور که در این بررسی شناسایی شده‌اند مشخص بوده و با مقایسه یافته‌های آنها با دیگر محوطه‌های مطالعه شده در خرم‌آباد بتوان توالی دقیقی از مواد فرهنگی پیش از تاریخی به‌دست‌آمده از این بررسی، به‌دست آورد. تحلیل اسنادی یافته‌های به‌دست‌آمده از این بررسی امکان ارائه تفسیری تازه از داده‌های قدیمی را فراهم می‌کند تا بتوان جایگاه فرهنگی-گاه‌شناختی محوطه‌های شناسایی شده را در بافت منطقه‌ای وسیع‌تر روشن کرد. در پژوهش حاضر تلاش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که مواد فرهنگی به‌دست آمده از دره خرم‌آباد به عنوان منطقه‌ای میان فلات مرکزی، زاگرس مرکزی و سرزمین‌های پست جنوب غرب ایران چه ویژگی‌هایی دارند و بیشتر تاثیر کدام مناطق را می‌توان در مواد فرهنگی این محدوده دید؟

تپه مدفون در زیر قلعه فلک‌الافلاک کرد (قبادی‌زاده ۱۴۰۴). در ادامه، در سال ۱۴۰۴، قبادی‌زاده و رشیدی با اجرای فصل کاوش جدید در تپه مدفون در زیر قلعه، به شناسایی شواهدی از استقرارهای دوره مفرغ تا دوران اسلامی دست یافتند (گفت‌وگوی شخصی ۱۴۰۴).

در مجموع، یافته‌های حاصل از این مطالعات، بیانگر تداوم و پویایی فرهنگی دره خرم‌آباد از دوران پارینه‌سنگی تا دوره اسلامی است. این دره در تمامی ادوار نقش مهمی در شکل‌گیری و تحول نظام‌های معیشتی، استقرار و فرهنگی جوامع انسانی زاگرس میانی ایفا کرده است.

### روش پژوهش

بررسی باستان‌شناختی در ایران دارای پیشینه‌ای طولانی است، گرچه در گذشته این اندیشه به مثابه راهبردی ساده برای یافتن محوطه‌های باستانی و انتخاب آنها برای کاوش بود، اما بعدها به ابزاری دقیق در مطالعه دوران باستان و ساختار فضایی استقرارها توسعه پیدا کرد (Wright and Carter 2003). این پژوهش به بازخوانی و تحلیل مجدد داده‌های باستان‌شناسی منتشر نشده از بررسی میدانی جودیت برمن

### دوره نوسنگی

اهمیت دوره نوسنگی (حدود ۱۱۰۰۰ تا ۷۰۰۰ پیش از میلاد) به عنوان یک مرحله گذار بنیادین در تاریخ فرهنگ مادی و معیشتی انسان، چنان اساسی است که گوردن چایلد آن را در چارچوب نظریه «انقلاب نوسنگی» مفهوم‌پردازی کرد. این دگرگونی، که با گذار از معیشت مبتنی بر شکار-گردآوری به اقتصاد مولد مبتنی بر کشاورزی و دام‌پروری شناخته می‌شود، نه تنها تغییرات چشمگیری در سامانه‌های معیشتی، بلکه دگرگونی‌های عمیقی در الگوهای سکونت، ساختارهای اجتماعی، فناوری و جهان‌بینی جوامع انسانی پدید آورد. (Childe 1934). با توجه به اهمیت این دوره و سوالات مهمی که درباره خاستگاه آن مطرح بود، در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی هیئت‌هایی مختلفی از جمله گروهی از دانشگاه شیکاگو به هدایت رابرت بریدوود به غرب زاگرس مرکزی آمدند. به دنبال این پژوهش‌ها، چارچوب گاهنگاری و توالی فرهنگ‌های اولیه برای غرب زاگرس ارایه شد و این منطقه گسترده با تنوعی از فرهنگ‌های بومی، مطابق با بررسی‌ها و کاوش‌های باستان‌شناسی، به چند بخش با توالی فرهنگی مختلف تقسیم شد (Braidwood 1960; Mortensen 1974; Young 1966). کاوش‌های باستان‌شناسی که در طی دهه‌های اخیر در نقاط گوناگون زاگرس و آسیای صغیر انجام شده است؛ شواهد و مدارک بسیاری را از دوره نوسنگی در اختیار باستان‌شناسان گذاشت. مطالعات نوسنگی در زاگرس، به‌خاطر مطرح‌شدن فرضیه‌های مختلف در ارتباط با چگونگی شروع اهلی‌سازی جانوران و گیاهان در این منطقه با توجه به پیشینه‌های مطالعاتی، دارای اهمیت ویژه‌ای است. با تمام این تفاسیر در بررسی‌های انجام شده توسط فرانک هل (Hole 2007) و جودیت برمن شواهدی از دوره نوسنگی بدون سفال در دره خرم‌آباد به دست نیامده است. در بررسی برمن محوطه‌های با کد KR78-116، KR78-85 و KR78-117 شناسایی شده که بر اساس ارزیابی اولیه میدانی، مواد فرهنگی آنها عمدتاً شامل سفال‌های دوره نوسنگی جدید هستند. در گزارش بایگانی در دسترس، هیچ مختصات جغرافیایی یا توصیف موقعیت مکانی دقیقی برای این محوطه‌ها ثبت نشده و تنها کدهای فوق به عنوان شناسه آنها ذکر شده است. این امر، بازسازی الگوی پراکنش مکانی محوطه‌های این دوره و تحلیل ارتباط فضایی آن با دیگر استقرارهای هم‌زمان را با چالش مواجه می‌سازد. با این حال، ثبت این محوطه‌ها در بانک اطلاعاتی برمن، خود گواهی بر وجود استقرارهای دوره نوسنگی در دره خرم‌آباد است. با توجه به سفال‌های شناسایی شده در محوطه‌های KR78-85 و KR78-116، و KR78-117، مواد موجود، بقایایی از دوره نوسنگی جدید تا دوره مس و سنگ را دربر می‌گیرند. این محوطه‌ها از پتانسیل بالایی برای ارائه یک توالی گاه‌شناختی پیوسته و احتمالاً فرایند گذار از دوره نوسنگی به عصر مس‌وسنگ

### مروری بر پژوهش‌های جودیت برمن و فرانک هل در دره خرم‌آباد

برنامه پژوهشی جودیت برمن در دره خرم‌آباد از ۷ شهریور تا ۶ آذر ماه سال ۱۳۵۷ به‌عنوان یک بررسی فشرده نظام‌مند با هدف تدوین توالی استقراری و درک الگوهای کاربری زمین از دوران پارینه‌سنگی تا اسلامی طراحی و اجرا شد. این پروژه که زیر نظر مؤسسه آمریکایی مطالعات ایران و با همکاری مرکز باستان‌شناسی ایران انجام شد. برمن با پیمایش منطقه‌ای وسیع به مساحت تقریبی ۱۵۰ کیلومتر مربع، موفق به شناسایی و ثبت ۱۴۸ محوطه باستانی شد. محوطه‌های شناسایی‌شده طیفی متنوع از استقرارهای موقت (۹۷ مورد)، تپه‌های استقراری (۱۱ مورد)، پراکنش‌های سفال (۲۹ مورد)، غارها (۵ مورد) و محوطه‌های ویژه‌ای مانند قلعه، پل و آب انبار را در بر می‌گرفت. روش کار برمن، تلفیقی از بررسی با وسیله نقلیه، پیمایش پیاده فشرده در نقاط کلیدی، و استفاده هم‌زمان از عکس‌های هوایی، نقشه‌های توپوگرافی و پرس‌وجو از مردم محلی بود (جدول ۲).

برمن در گزارش مقدماتی خود، با وجود مطالعات محدود آزمایشگاهی، شباهت‌های بارز مواد فرهنگی منطقه با محوطه‌های خوزستان (به‌ویژه در دوره پیش‌ازتاریخ) و در عین حال تفاوت‌های محلی در گونه‌های سفالی را گزارش کرد. وی بر اساس مشاهده میدانی، بیشترین تمرکز استقرارها را مربوط به دوره‌های اشکانی، ساسانی و اسلامی ارزیابی کرد. وی در گزارش مقدماتی خود بر خطر، تخریب فزاینده سه محوطه کلیدی ماسور (بزرگ‌ترین سکونتگاه دره)، باغ‌نو (محوطه نوسنگی) و دارایی بر اثر توسعه‌های شهری و روستایی اشاره و بر لزوم حفاظت اضطراری و انجام کاوش‌های نجات‌بخشی تاکید کرده است. بررسی برمن اگرچه به دلیل شرایط سیاسی روزهای منتهی به انقلاب اسلامی نیمه‌تمام ماند، اما نخستین بانک اطلاعاتی نظام‌مند از محوطه‌های دره خرم‌آباد را ایجاد کرد و مبنای علمی ضروری برای طراحی پژوهش‌های آتی در این منطقه حساس فرهنگی-زیست‌محیطی فراهم کرد.

فرانک هل و کنت فلنری در پی بررسی دره خرم‌آباد در غارهای قمری و کنجی گمانه‌زنی‌هایی انجام دادند (Hole & Flannery 1968). سفال‌های به‌دست آمد از کنجی که در نگاه اول شبیه به سفال‌های نوسنگی در مرحله محمد جعفر در تپه علی‌کش و چغاسفید (Hole et al. 1969) به نظر می‌رسند، اما محتمل‌تر است که به دوره‌های مس و سنگ جدید و مفرغ قدیم در ارتباط باشد (Hole 2007: 71). با این حال در ارتباط با سفال‌های غار قمری بجز یک مقاله کوتاه از یافته‌های کاوش ۱۴۰۳ (بیگلری و همکاران ۱۴۰۴)، اطلاعاتی از مجموعه‌های سفال حاصل از گمانه‌زنی فرانک هل و کنت فلنری در این غار در دست نیست. از این‌رو در ادامه به معرفی سفال‌های به‌دست آمده در این کاوش خواهیم پرداخت.

ردیف	کد محوطه	دوره	تعداد سفال
۱	KR78, 5	مس و سنگ جدید	۱
۲	KR78, 6	مس و سنگ جدید	۱۲
۳	KR78, 7	مس و سنگ جدید	۶
۴	KR78, 9	مس و سنگ جدید	۱۸
۵	KR78, 14	نوسنگی تا اوایل دوره برنز	۳۲۱
۶	KR78, 15	مس و سنگ جدید	۷
۷	KR78, 25	مس و سنگ جدید	-
۸	KR78, 27	مس و سنگ جدید	۷
۹	KR78, 28	مس و سنگ جدید	۴
۱۰	KR78, 30	مس و سنگ جدید	۱
۱۱	KR78, 34	مس و سنگ جدید	۲۷
۱۲	KR78, 58	مس و سنگ جدید	-
۱۳	KR78, 66	مس و سنگ جدید	۳
۱۴	KR78, 75	مس و سنگ قدیم تا جدید	۱۴
۱۵	KR78, 85	نوسنگی جدید و مس و سنگ	۶۲
۱۶	KR78, 98	مس و سنگ جدید	۱۶
۱۷	KR78, 101	نوسنگی و مس و سنگ قدیم	-
۱۸	KR78, 108	مس و سنگ قدیم	۱
۱۹	KR78, 112	مفرغ	۱۳
۲۰	KR78, 114	مس و سنگ جدید	۱
۲۱	KR78, 116	نوسنگی جدید	۴۴
۲۲	KR78, 117	مس و سنگ قدیم، میانی و جدید	۴۴
۲۳	KR78, 121	مس و سنگ جدید	۹
۲۴	KR78, 132	نوسنگی جدید	۲
۲۵	KR78, 144	مس و سنگ جدید	۷
۲۶	غار قمری	مس و سنگ جدید و مفرغ	۹۸

جدول ۲. لیست محوطه‌های دارای سفال پیش‌از تاریخ دره خرم‌آباد، بررسی برمن ۱۳۵۷.

حضور مواد فرهنگی از مناطق همجوار به دره خرم‌آباد هستیم. حضور این مواد فرهنگی شناخته شده وارداتی، مساعدت فراوانی در شناخت توالی فرهنگی دره خرم‌آباد را نموده است. سفال منقوش دو رنگ که احتمالاً از نوع سفال جی بوده با پوشش نخودی همراه با نقوش خطی سیاه کم رنگ و قرمز با شاموت شن ریز که شاخصه حلف میانی (Levine and McDonald 1977: 45, Henrickson, 1985: 101) است، در تپه دارایی شناسایی شد که می‌تواند وضعیت مبهم گاهنگاری نوسنگی به مس و سنگی منطقه را روشن سازد. سفال‌های شماره ۱، ۵ و ۱۰ در شکل ۶ سفال‌های با پوشش گلی غلیظ هستند و می‌توان آنها را با نمونه‌های که در ماهیدشت به دست آمدند مقایسه کرد (Mohammadi Ghasrrian et al. 2025). دیگر ظروف که به گاهنگاری انتقالی نوسنگی به مس و سنگ کمک می‌کند سفال‌هایی با پوشش سیاه رنگ است که در کاوش فلاگپ ازنا در مرحله انتقالی این محوطه به دست آمد (عبداللهی و سرداری ۱۳۹۲: ۱۲۶ شکل ۸). این نوع سفال با پوشش سیاه در لایه‌های مس و سنگ فلاگپ ظاهر می‌شود که مشابه گیان Va بوده و مشابه آن از لایه‌های نوسنگی با سفال تپه عبدالحسین نیز گزارش شده است (Hasting 1990: fig 62, N:21).

در دره خرم‌آباد برخوردار هستند. سفال‌های نوسنگی دارای خمیره نخودی، پوشش نخودی تا نخودی متمایل به قهوه‌ای، دست ساز، پخت کم، ساده و بدون نقش و نگار است که می‌توان با نمونه‌های از سایر محوطه‌های زاگرس مقایسه کرد. بر اساس نمونه‌های گردآوری شده فرم ظرف ساده و شامل کاسه‌های کوچک و بزرگ با بدنه عمودی و لبه ساده باریک شده است. در شماری از قطعات زاویه‌ای در بدنه ظرف مشاهده می‌شود. ظروف، بسیار ساده و ابتدایی ساخته شده و نمونه‌های شبیه به آنها در محوطه‌هایی همچون سراب (Levine & Young 1986: 18, fig. 1, no. 3)، گوران (Meldgaard et al. 1963: fig. 17, no. b,c,e) و سراب یآوری (علی بیگی ۱۳۹۰: ۴۷، تصویر ۴) به دست آمده است (شکل ۴). علاوه بر این سفال‌های منقوش به رنگ سیاه تا قهوه‌ای که تعدادی نقوش ساده هندسی به شکل خطوط مایل و همچنین خطوط موازی و موج در بخش درونی نزدیک لبه در تپه دارایی (کد KR78-14) قابل مشاهده است که با نمونه‌های به دست آمده از کاوش تپه فلاگپ ازنا (عبداللهی و سرداری ۱۳۹۲: ۱۲۵ شکل ۷) و قلعه تپه سرسختی در شازند استان مرکزی (شراهی ۱۳۸۷) قابل مقایسه‌اند. نمونه دیگر از سفال‌های نوسنگی دره خرم‌آباد دارای پوشش گلی

غلیظ قرمز است که همگی بدون تزئین دست ساز و پخت ناکافی هستند که با نمونه‌های به دست آمده در تپه پشت فرودگاه ملایر مشابهت دارد (بیک محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۳۸، شکل ۸).

### دوره انتقالی نوسنگی به مس و سنگ

اگرچه در مقایسه با حوزه‌های مجاور نظیر ماهیدشت، کنگاور و هلیلان، استقرارهای دوره انتقالی از نوسنگی به مس و سنگ در دره خرم‌آباد کمتر به صورت روشمند مورد کاوش قرار گرفته است، اما شواهد سطحی و یافته‌های حاصل از بررسی‌های محدود میدانی بیانگر افزایش چشمگیر تنوع گونه‌شناختی و فناوری در ساختار سفالینه‌ها در این بازه زمانی است. این تنوع نه تنها در فرم و ابعاد ظروف، بلکه در تنوع پوشش سطحی، کیفیت خمیره و تزئینات نیز قابل رهگیری است. همزمان با این تحولات فنی، ظهور و تشدید حضور مواد فرهنگی غیربومی در مجموعه‌های سفالی محوطه‌های دره خرم‌آباد، به ویژه در تپه دارایی، افق‌های تازه‌ای را در فهم الگوهای برهمکنش فرامنته‌ای این حوزه فرهنگی گشوده است. این مرحله تنوع در ساخت و فرم ظروف سفالی افزایش یافته و طی این مرحله شاهد



شکل ۳. تصویر ماهواره‌ای از محوطه باغ نو در بخش جنوبی شهر خرم‌آباد (برگرفته از Google Earth 2024).

### مس‌وسنگ

مرکزی هستیم. به نظر می‌رسد تغییر الگوهای معیشتی رایج از یکجانشینی و کشاورزی به نیمه یکجانشینی دلیلی بر این مدعا باشد (روثمن و بدلر ۱۳۹۵). تنوع و گوناگونی محیطی باعث به وجود آمدن فرهنگ‌های متنوع در دوران‌های پیش‌ازتاریخ ایران شده و نتیجه‌گیری کلی در ارتباط با دوره‌های فرهنگی را دچار مشکل می‌کند. بررسی و شناخت فرهنگ‌های دوره مس‌وسنگ دره خرم‌آباد می‌تواند در کنار شواهد فرهنگی این دوره در مناطق هم‌جوار اطلاعاتی از چگونگی حضور برهمکنش جوامع باستانی ارائه دهد. همزمان با شروع دوره مس‌وسنگ در زاگرس مرکزی و به‌ویژه دشت‌های غربی (کوه‌دشت و رومشگان) سفال‌های موسوم به سفال J به‌دست آمده است. این سفال‌ها ظریف و نازک هستند و پوشش گلی غلیظ قرمز و رنگ‌های نسبتاً متنوع دارند که از نظر ساخت و شکل و سبک نقوش قابل مقایسه با سفال‌های حلف در شمال بین‌النهرین است. این نوع سفال‌ها را می‌توان در محوطه‌های شاخصی مانند سیاه‌بید و چغاماران در ماهیدشت (Mohammadi Ghasriani et al. 2025)، چغاگاوانه در اسلام‌آباد غرب و سرتپه در کوه‌دشت مشاهده کرد. دوره مس‌وسنگ قدیم در بخش‌های شرقی زاگرس مرکزی به‌ویژه در دره کنگاور با سفال سه‌گابی (فاز شهن‌آباد) شناخته می‌شود. علاوه بر این در بخش‌هایی از دره خرم‌آباد، الشتر و بروجرد سفال‌های مرحله باغ نو را به عنوان معرف دوره مس‌وسنگ قدیم منطقه می‌شناسیم. محوطه باغ‌نو در داخل شهر خرم‌آباد و نزدیک به پل شکسته واقع شده است (شکل ۳) و جودیت برمن در بررسی خود از این

باوجود اینکه زاگرس مرکزی از آغاز فعالیت‌های باستان‌شناختی در ایران مورد توجه قرار گرفته بود و هیئت‌های خارجی پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه پیش‌ازتاریخ در غرب این منطقه از جمله دشت‌های ماهیدشت، کنگاور، هرسین و هلیلان انجام داده‌اند، اما در مقابل، در بخش‌های پیشکوه جنوبی و همچنین دشت‌های میان‌کوهی استان لرستان این فعالیت‌ها کم‌شمار، غیرمتمرکز و مقطعی بوده است. به همین‌رو، اطلاعات درخور توجهی از این حوضه نسبت به بخش‌های غربی زاگرس در دسترس نیست. بر این اساس، این بخش از حوزه فرهنگی زاگرس مرکزی در قیاس با مناطق هم‌جوار از قافله به‌دورمانده و مهجور واقع شده است. برخلاف بین‌النهرین که سرزمینی با دشت‌های باز و دره‌های بزرگ رودخانه‌ای است، ایران سرزمینی با جغرافیای پیچیده است که در میان صحراها، کوه‌ها، دره‌ها و دشت‌ها قرار گرفته است. تنوع و گوناگونی محیطی باعث به وجود آمدن فرهنگ‌های متنوع در دوران‌های پیش‌ازتاریخ ایران شده و نتیجه‌گیری کلی درباره این فرهنگ‌ها را دچار مشکل می‌کند. الگوهای معیشتی زاگرس مرکزی طی دوره مس‌وسنگ، ساختارهای گوناگونی را تجربه کرده است (Abdi 2003). هم‌زمان با دوره میانی مس‌وسنگ در زاگرس مرکزی شاهد افزایش چشمگیر استقرارهای یکجانشین هستیم که احتمالاً از الگوی مبتنی بر کشاورزی و دامپروری پیروی کرده‌اند (Henrickson 1985). در پایان دوره مس‌وسنگ میانی شاهد کاهش بی‌سابقه استقرارها در بعضی از دشت‌های زاگرس



شکل ۴. سفال‌های دوره نوسنگی جدید محوطه KR85.

شماره	نوع قطعه	قطر	ساخت	امیزه	کیفیت ساخت	رنگ			نمونه قابل مقایسه
						بیرونی	خمیره	درونی	
۱	لبه	۴۲	دست ساز	مواد آلی شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	خاکستری	نخودی	خسروی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴، تصویر ۹ طرح: ۷
۲	لبه	۴۰	دست ساز	مواد آلی	متوسط	قهوه ای متمایل به قرمز	خاکستری	آجری و نخودی	عبداللهی و سرداری، ۱۳۹۲: ۱۲۳، شکل ۵ شماره ۷
۳	لبه	۴۰	دست ساز	مواد آلی	متوسط	نخودی متمایل به قرمز	خاکستری	نخودی متمایل به قرمز	عبداللهی و سرداری، ۱۳۹۲: ۱۲۳، شکل ۵ شماره ۷
۴	لبه	۳۰	دست ساز	مواد آلی	متوسط	قهوه ای متمایل به قرمز یا آجری	خاکستری	قهوه ای	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۴۴ تصویر ۲۲
۵	لبه	۲۷	دست ساز	مواد آلی	متوسط	آجری متمایل به نخودی	خاکستری	آجری	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۴۴ تصویر ۱۵
۶	لبه	۲۶	دست ساز	مواد آلی	متوسط	نخودی روشن	خاکستری	نخودی روشن	Levine & Young 1986: 26, Fig 1. 24
۷	لبه	۲۶	دست ساز	مواد آلی	متوسط	نخودی روشن	خاکستری	نخودی روشن	عبداللهی و سرداری، ۱۳۹۲: ۱۲۳، شکل ۵ شماره ۷
۸	لبه	۲۵	دست ساز	مواد آلی	متوسط	نخودی روشن	خاکستری	نخودی روشن	خسروی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴، تصویر ۹ طرح: ۷
۹	لبه	۲۲	دست ساز	مواد آلی همراه با شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	خاکستری	آجری	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۴۴ تصویر ۲۲
۱۰	لبه	۲۲	دست ساز	مواد آلی	متوسط	قهوه ای	قهوه ای	قهوه ای	خسروی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴، تصویر ۹ طرح: ۷
۱۱	لبه	۲۱	دست ساز	مواد آلی	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	عبداللهی و سرداری، ۱۳۹۲: ۱۲۳، شکل ۵ شماره ۷
۱۲	لبه	۹	دست ساز	مواد آلی همراه با شن و ماسه ریز	متوسط	آجری	خاکستری	آجری	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۴۴ تصویر ۲۲

جدول ۳. مقایسه سفال‌های محوطه KR85.

سبک سفالی سامره در بین‌النهرین می‌داند (Goff 1971: 134). بر اساس تاریخ‌گذاری رادیوکربن انجام‌شده روی بقایای فرهنگی محوطه باغ‌نو، ماری مک‌دانلد تاریخ آغاز استقرار در این محوطه را حوالی ۴۲۵۰ پیش‌ازمیلاد تعیین کرده است. وی سفال‌های این محوطه را از نظر گونه‌شناختی و فن‌ساخت با مجموعه‌های سفالی شناخته‌شده‌ای همچون سه‌گابی، گیان VA، سیلک I و II، قلعه‌رستم در منطقه بختیاری و نیز باکون A در فارس قابل مقایسه می‌داند. بر مبنای این تشابهات و تحلیل گاه‌شناختی، وی نتیجه می‌گیرد که قدمت استقرار در محوطه باغ‌نو به احتمال زیاد به نیمه دوم هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد می‌رسد (McDon-ald 1979: 530). بر اساس ارزیابی شواهد موجود، چنین به

محوطه نام می‌برد (KR101). برمن در بررسی سطحی خود اشاره دارد که به شدت آسیب دیده و عنوان می‌کند که مردم محلی خاک تپه را برای استفاده می‌برند. مجموعه سفال‌های جمع‌آوری شده توسط برمن در این محوطه فاقد سفال دوره مس و سنگ بوده و بیشتر سفال‌های دوره تاریخی و اسلامی محوطه را جمع‌آوری شده است. نخستین بار این محوطه را تامس کایلر یانگ در بررسی منطقه لرستان و کرمانشاه ثبت کرد (Young, 1966:231). با این حال فرانک هل، بر اساس تاریخ‌گذاری مطلق که از نمونه زغال به‌دست‌آمده از گودال ایجاد شده در باغ نو به‌دست آمده بود؛ این محوطه را به ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد تاریخ‌گذاری کرده است (Hole 2007: 71). کلر گاف امید سبک سفالی باغ نو را چیزی شبیه به



شکل ۵. موقعیت تپه دارایی در تصویر ماهواره‌ای (برگرفته از Google Earth 2024)، تصویر تپه، دید از شمال (عکس از مهتاب شاهوردی).



شکل ۶. سفال با پوشش گلی غلیظ، دوره نوسنگی دارایی.

دوم سفال‌های رایج این دوره در زاگرس مرکزی نوعی سفال نخودی منقوش موسوم به نوع سیاه بر زمینه نخودی یا اصطلاحاً BOB (Black on Buff) است (شکل ۸)؛ که در بیشتر نواحی زاگرس از جمله در ماهیدشت و کوه‌دشت رواج دارد. این دوره در خرم‌آباد، الشتر و بروجرد با نام فاز دارایی شناخته می‌شود. با توجه به تفاوت چشمگیر سنت سفالی مرحله باغ نو (سفال زمخت، آمیزه گاه و شن با پخت ناکافی) و دارایی (سفال ظریف، خوش‌ساخت، آمیزه معدنی

نظر می‌رسد که تاریخ‌گذاری پیشنهادی فرانک هل (حوالی ۵۰۰۰ پیش‌ازمیلاد) برای استقرار باغ‌نو، محتمل‌تر از تاریخ متاخرتر ارائه شده توسط مک دانلد (نیمه دوم هزاره پنجم پیش‌ازمیلاد) باشد.

همزمان با شروع دوره مس‌وسنگ میانه در زاگرس مرکزی دو نوع سفال در دشتهای زاگرس شناسایی شد. یک نوع از سفال‌ها موسوم به دالما عبید است که بیشتر در بخش‌های شرقی زاگرس مرکزی رایج بوده است. نوع

شماره	نوع قطعه	قطر	ساخت	آمیزه	کیفیت ساخت	رنگ			نمونه قابل مقایسه
						پوشش		درونی	
						بیرونی	درونی		
۱	لیه	۲۵	دست ساز	مواد آلی شن و ماسه ریز	متوسط	ارغوانی	نخودی	ارغوانی	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۳۹ تصویر ۸
۲	لیه	۲۸	دست ساز	مواد آلی شن و ماسه نرم	متوسط	قرمز	خاکستری	قرمز	Mohammadi Ghasrian 2025: 13, Fig 3, 4
۳	لیه	۳۴	دست ساز	مواد آلی شن و ماسه نرم	متوسط	آجری	خاکستری	آجری	Mohammadi Ghasrian 2025: 13, Fig 3
۴	لیه	۱۸	دست ساز	مواد آلی یا ذرات درشت کاه	متوسط	ارغوانی	نخودی	ارغوانی	Mohammadi Ghasrian et al. 2025: 310, Fig 5:108-10
۵	لیه	۹	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	ارغوانی	نخودی	نخودی	Mohammadi Ghasrian et al. 2025: 310, Fig 5:108-10
۶	لیه	۲۲	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	ارغوانی	نخودی	ارغوانی	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۴۴ تصویر ۸
۷	لیه	۲۲	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	ارغوانی	نخودی	ارغوانی	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۴۴ تصویر ۸
۸	لیه	۱۸	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	ارغوانی	نخودی	ارغوانی	بیگ‌محمدی و جوانمردزاده ۱۳۹۹: ۴۴ تصویر ۸
۹	لیه	۱۹	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	آجری	آجری	آجری	
۱۰	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	ارغوانی	نخودی	ارغوانی	Mohammadi Ghasrian et al. 2025: 312, Fig 7:M6

جدول ۴. توصیف سفال‌های دارای پوشش گلی غلیظ محوطه دارایی.

(مورتسن، ۱۳۸۸ الف و ب، Mortensen 1977; Mortensen & Smith 2014) به‌دست آمده است. با شروع دوره مس و سنگ جدید در اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش‌ازمیلاد شاهد شکل‌گیری سنت‌های سفالی گوناگون در مناطق مختلف غرب ایران هستیم. یکی از فرهنگ‌های اوایل دوره مس و سنگ جدید در این دوره در زاگرس مرکزی سفالی منقوش موسوم به (Red White) RWB (and Black) است. از دیگر گونه‌های سفالی اوایل دوره مس و سنگ جدید منطقه، گونه منقوش دیگری با نام سفال قرمز رنگ با نقوش سیاه و یا به اصطلاح (BOR/Black on Red) است (Levine & Young 1987:35). در کنگاور این دوره را با مجموعه سفال‌های ساده گودین VII و VI می‌شناسیم. یکی از خصوصیات این دوره در زاگرس مرکزی حضور سفال‌های لبه‌وارخته در مراحل جدیدتر این دوره هست، یکی از محوطه‌های که این نوع سفال از آن به‌دست آمد محوطه دارایی هست که حضور این سبک سفالی نشان از اهمیت ویژه این محوطه در دره خرم‌آباد دارد. سفال‌های ساده گودین VI همچنین در ماهیدشت به‌دست آمده است. فاز پایانی در ماهیدشت در تپه دهسوار به‌دست آمده و این دوره را در این منطقه با نام فاز دهسوار می‌شناسیم. این دوره در خرم‌آباد با نام‌های قمری و کنجی شناسایی شده است. پس از دوره دارایی فرانک هل بیان می‌کند که شواهد استقرار در این دوره برای نخستین بار در دو غار قمری و کنجی به‌دست آمده است (Hole 2007: 73). بهرامی و فاضلی نشلی در مقاله‌ای دوره پایانی این دوره را با نام فاز ماسور پیشنهاد داده و عنوان می‌کنند که این دوره بدون وقفه ادامه دوره قبل

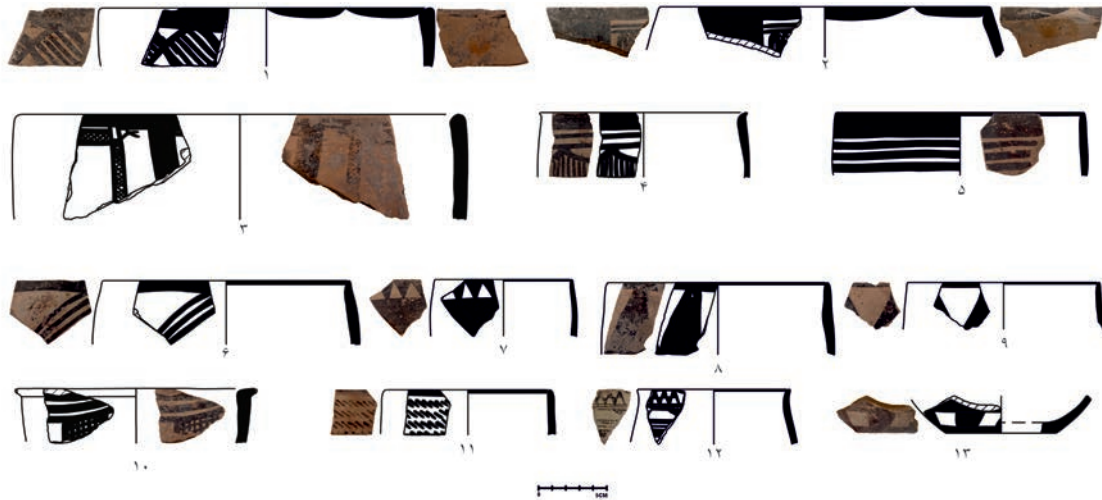
و پخت کافی) به نظر می‌رسد باید نظر هل را در زمینه قدمت این مرحله پذیرفت (Hole 2007: 72) که میان این دو دوره فرهنگی گسستی وجود دارد (بهرامی و فاضلی نشلی ۱۳۹۵: ۳۸). برمن در بررسی تپه دارایی از این تپه به عنوان یک محوطه کلیدی یاد می‌کند و اظهار می‌کند که تپه دارایی برای تشخیص توالی سنت سفالگری منطقه، مکانی مهم است. این محوطه با کد KR014 شماره‌گذاری شده و از بررسی آن ۲۳۱ قطعه سفال جمع‌آوری شده است (شکل ۵). سفال‌های تپه اکثراً منقوش هستند و از نقش‌مایه‌های هندسی و جانوری در تزئین سفال استفاده شده است (شکل ۷). سفال‌های با تزئین لوزی‌های هاشوردار دارایی را می‌توان در تپه B سه گابی (Levine & Young 1986: 22, Fig. 4)، چیا سبز رومشگان و صید صفور رباط در لرستان دید (Goff 1971: 136, fig 2). سفال‌های منقوش دیگر همچون نقوش خط چین عمودی بریده بریده، زیگزاگ‌های موازی، نقوش شطرنجی، زیگزاگ هاشوردار، لوزی‌های توپر منفی و نقوش انتزاعی جانوری (بز) در بین مجموعه دیده می‌شود. دوره مس‌وسنگ جدید در شرق زاگرس مرکزی با عنوان مرحله گودین VI (سنت چشمه‌نوش) یاد می‌شود. اطلاعات کنونی در رابطه با این دوره از طریق کاوش‌های گودین تپه (Young 1969; Young & Levine 1966; Young & Smith 1974)، تپه‌گیان نه‌اوند (Con-tenau & Ghirshman 1935)، بررسی دره کنگاور (Young 1975)، دشت‌های ماهیدشت و کرمانشاه (Levine 1974; 1976; Henrickson 1983; 1985a; Levine & Young 1986:48)، کوه‌دشت (Goff 1971)، هلیلان و هرسین



شکل ۷. نقوش جانوری و هندسی تپه دارایی (طرح از معصومه بایزیدی).

شماره	نوع قطعه	قطر	ساخت	امیژه	کیفیت ساخت	رنگ			پوشش		نمونه قابل مقایسه
						بیرونی	خمیره	درونی	بیرونی	درونی	
۱	لیه	۲۰	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Henrickson 1985:91, Fig 17, 50.1-5
۲	لیه	۱۱	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Henrickson 1985:91, Fig 17, 50.1-5
۳	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Goff, 1971: Fig 2:40
۴	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	پاک‌نژاد: ۱۳۸۰: ۱۱۳، شکل ۳-۱۶، ۸
۵	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	گلی رقیق	گلی رقیق	محمدی قصریان ۱۴۰۴: ۲۷، شکل ۲۰، ۲۰
۶	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Goff, 1971: Fig 2:40
۷	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	عبداللهی و دیگران ۱۳۹۳: ۷۸، طرح ۱: ۴
۸	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	گلی رقیق	گلی رقیق	محمدی قصریان ۱۴۰۴: ۲۸، شکل ۵، ۷
۹	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	گلی رقیق	گلی رقیق	گراموند ۱۳۹۰: ۸۱، تصویر ۵، طرح ۱۱
۱۰	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Contentau & Ghirshman, 1935, pl.57.
۱۱	بدنه	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Contentau & Ghirshman, 1935, pl.57.

جدول ۵. توصیف سفال‌هایی با نقوش جانوری و هندسی تپه دارایی.



شکل ۸. سفال‌های با نقوش سیاه روی زمینه نخودی (BOB) در تپه دارایی.

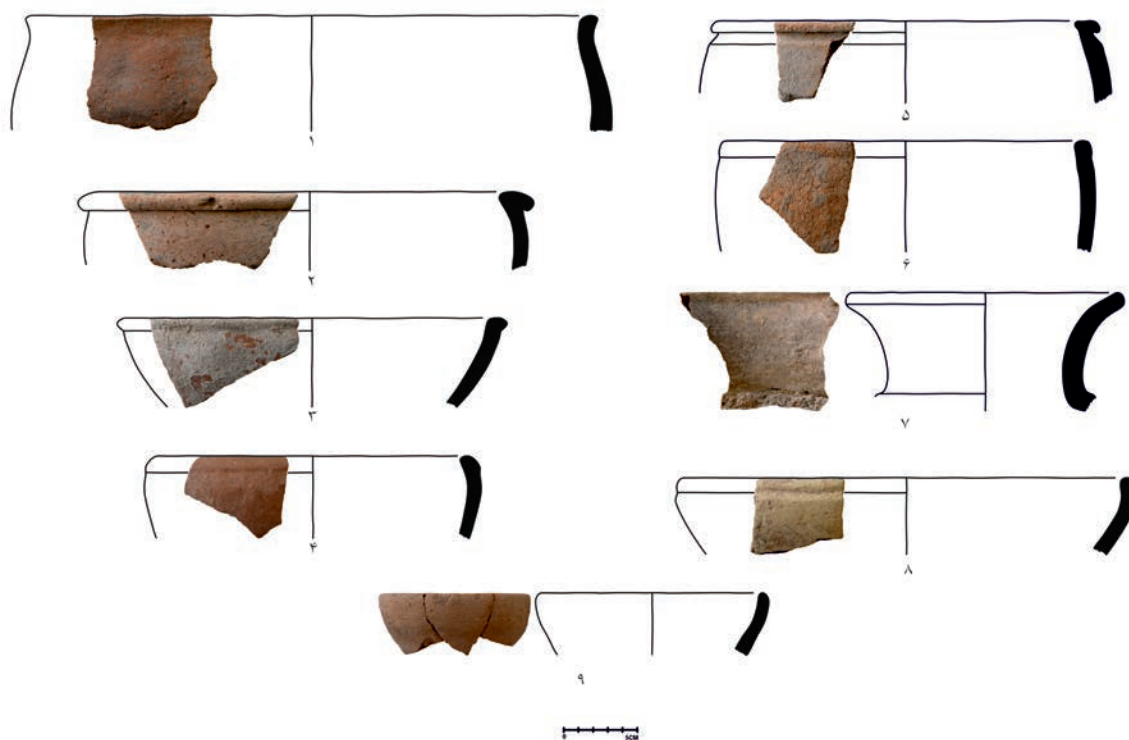
شماره	نوع قطعه	قطر	ساخت	آمیزه	کیفیت ساخت	رنگ			پوشش		نمونه قابل مقایسه
						درونی	خمیره	بیرونی	بیرونی	درونی	
۱	لیه	۲۴	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Goff, 1971: Fig 2: 37
۲	لیه	۲۴	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	قهوه‌ای متمایل به نخودی	خاکستری	قهوه‌ای متمایل به نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	پاک‌نژاد ۱۳۸۰: ۱۰۷، شکل ۳-۱: ۲
۳	لیه	۳۲	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	قهوه‌ای متمایل به نخودی	خاکستری	قهوه‌ای متمایل به نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Contenau & Ghirshman, 1935, pl.56
۴	لیه	۱۵	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Levine & Young 1986: 26, Fig 8. 11
۵	لیه	۱۸	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Levine & Young 1986: 26, Fig 1. 24
۶	لیه	۱۸	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Levine & Young 1986: 26, Fig 8. 10
۷	لیه	۱۰	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	ظریف	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Henrickson, 1983, fig 68, 40.1
۸	لیه	۱۶	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Levine & Young 1986: 26, Fig 8. 6
۹	لیه	۱۴	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	ظریف	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Levine & Young 1986: 26, Fig 8. 6
۱۰	لیه	۱۸	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Contenau & Ghirshman, 1935, pl.56
۱۱	لیه	۱۲	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	پاک‌نژاد ۱۳۸۰: ۱۰۷، شکل ۳-۱: ۹
۱۲	لیه	۱۱	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی روشن	نخودی روشن	نخودی روشن	گلی رقیق	گلی رقیق	Contenau & Ghirshman, 1935, pl.54
۱۳	کف	-	دست‌ساز	شن و ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	

جدول ۶. توصیف سفال‌های منقوش سیاه روی زمینه نخودی (BOB) محوطه دارایی.

### غار قمری

فرانک هل و کنت فلانری در بررسی مناطقی از غرب و جنوب غرب ایران در دره خرم‌آباد ۱۷ محوطه مربوط به دوره پارینه سنگی شناسی کردند (Hole and Flannery 1968). در غار قمری یک گمانه ۲×۲ متر کاوش شد که علاوه بر بقایای صنعت موستری، در لایه‌های بالایی این غار شواهدی از دوره مس و سنگ و اوایل مفرغ شناسایی شد که در ادامه به معرفی آنها پرداخته خواهد شد. این غار در حاشیه شهر خرم‌آباد و نزدیک قلعه فلک‌الفلک در دامنه کوه سفید واقع شده است (شکل ۱۱). ارتفاع غار قمری از سطح دریا حدود ۱۳۰۰ متر

است و با تحولات صورت گرفته در بین‌النهرین و شوشان در دوره اوروک در ارتباط مستقیم بوده و همزمان است (بهرامی و فاضلی ۱۳۹۵: ۴۰). استقرار این دوره در دره خرم‌آباد به مانند برخی دیگر از دره‌ها و دشت‌های زاگرس مرکزی چون کرمانشاه و هلیلان درون غارها نیز ادامه پیدا کرده است. با این حال تعدادی از محوطه‌ها مانند دارایی و ماسور در کف دشت خرم‌آباد شواهدی از این دوره را دارند. در بررسی برمن علاوه بر دارایی، هفت محوطه دیگر با کدهای (9-KR78، 15-KR78، 27-KR78، 58-KR78، 65-KR78، 98-KR78، 117-KR78) دارای سفال‌های از مس‌سنگ جدید هستند.



شکل ۹. سفال های دوره مس و سنگ جدید دره خرم آباد (سفال های ۴-۱ از محوطه با کد KR78-99 سفال های ۷-۵ از محوطه با کد KR78-117، سفال ۸ از محوطه KR78-98 و سفال ۹ از محوطه KR78-27).

شماره	نوع قطعه	قطر	ساخت	آمیزه	کیفیت ساخت	رنگ			پوشش		نمونه قابل مقایسه
						ببرونی	خمیره	درونی	ببرونی	درونی	
۱	لبه	۳۸	دست ساز	مواد آلی	متوسط	آجری	خاکستری	آجری	گلی رقیق	گلی رقیق	Wright et al., 1975: 146, fig 8: b
۲	لبه	۲۸	دست ساز	مواد آلی شن و ماسه درشت	متوسط	آجری	آجری	آجری	گلی رقیق	گلی رقیق	Renette & Mohammadi Ghasrian, 2020:121, Fig 4:12
۳	لبه	۲۵	چرخ ساز	مواد معدنی قهوه‌ای نی شن و ماسه نرم	متوسط	قهوه‌ای	قهوه‌ای متمایل به قرمز	قهوه‌ای متمایل به قرمز	گلی رقیق	گلی رقیق	Renette & Mohammadi Ghasrian, 2020:121, Fig 4:5
۴	لبه	۲۱	دست ساز	مواد معدنی شن و ماسه نرم با ذرات آهک	متوسط	قهوه‌ای	خاکستری	قهوه‌ای	گلی رقیق	گلی رقیق	Gopnik & Rothman, 2011:109, fig.4.49:VI.2
۵	لبه	۲۵	دست ساز	مواد آلی شن و ماسه ریز	متوسط	نارنجی	خاکستری	نارنجی	گلی رقیق	گلی رقیق	Gopnik & Rothman, 2011:109, fig.4.51:VI.2
۶	لبه	۲۴	دست ساز	مواد آلی شن و ماسه درشت	متوسط	نارنجی	خاکستری	نارنجی	گلی رقیق	گلی رقیق	Goff, 1971: Fig 5: 63
۷	لبه	۱۸	چرخ ساز	مواد آلی همراه با ماسه درشت	متوسط	نخودی	خاکستری	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Gopnik & Rothman, 2011:112, fig.4.52:VI.3;
۸	لبه	۳۰	دست ساز	مواد معدنی ماسه نرم	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی متمایل به زیتونی	گلی رقیق	گلی رقیق	Goff, 1971: Fig 5: 18
۹	لبه	۱۵	دست ساز	مواد آلی همراه شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	گلی رقیق	گلی رقیق	Renette & Mohammadi Ghasrian, 2020:121, Fig 4:9

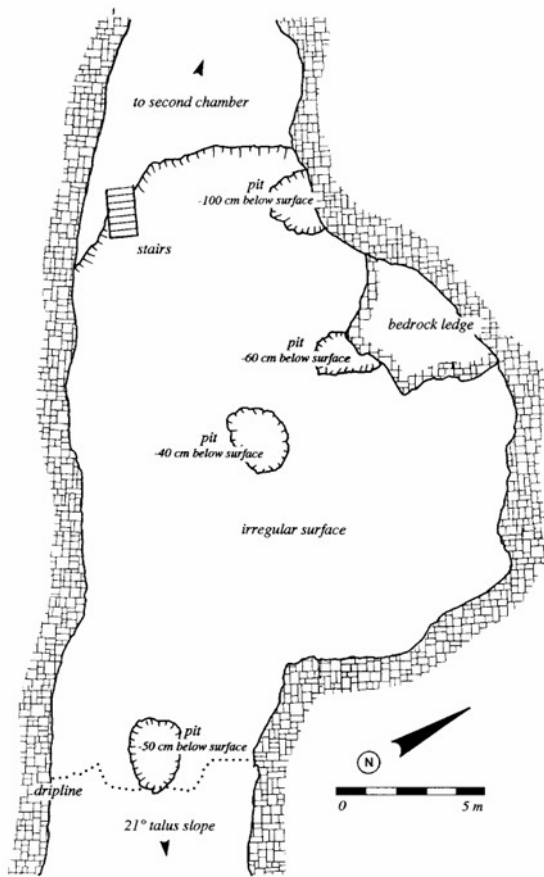
جدول ۷. توصیف سفال های مس و سنگ جدید دره خرم آباد.

سفال های به دست آمده دارای، رنگ نخودی و نارنجی و پوشش گلی رقیق هستند که در خمیره آنها از ذرات کاه و در تعدادی از شن و ماسه دانه ریز به عنوان آمیزه استفاده شده است. تعدادی از سفال ها دارای نقوش سیاه روی زمینه

است؛ سطح داخلی غار بیش تر از ۲۰۰ مترمربع است (روستایی و همکاران ۱۳۸۰). مجموعه سفال های به دست آمده از غار قمری شامل ۹۸ قطعه است و مرتبط به اواخر دوره مس و سنگ و اوایل دوره مفرغ است (شکل ۱۲).



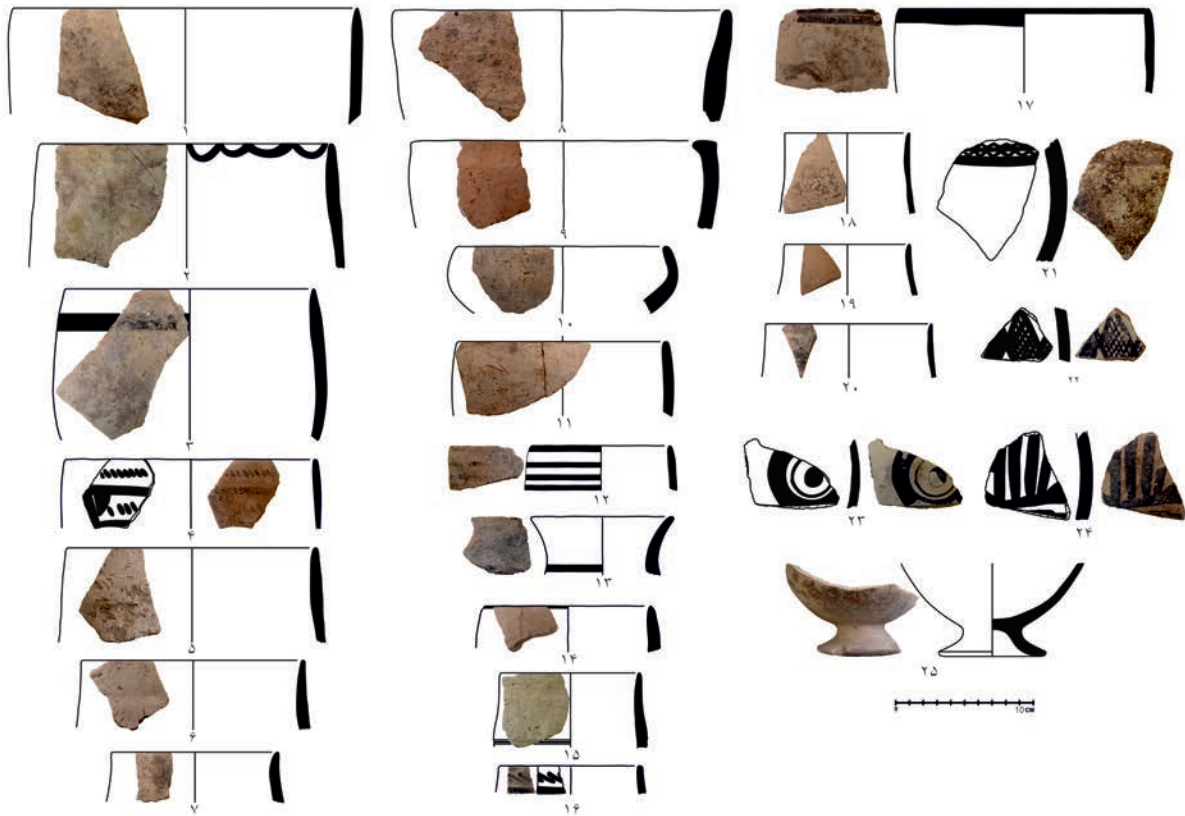
شکل ۱۰. تصویر ماهوره‌ای از محوطه ماسور در جنوب شهر خرم‌آباد (برگرفته از: Google Earth 2024).



شکل ۱۱. پلان غار قمری (Ruostaei et al. 2004)

خاک، نقش محوری در شکل دهی به الگوهای سکونتگاهی ایفا می‌کرد. با این حال، در کنار این تحول اصلی، شواهدی از تداوم سبک‌های زندگی انعطاف‌پذیرتر نیز به چشم می‌خورد. ادامه استفاده از غارهایی مانند قمری، کنجی و بتخانه به عنوان پناهگاه‌های فصلی یا اقامتگاه‌های موقت، گویای آن است که

نخودی و نارنجی هستند. این نقوش شامل باندهای افقی روی سطح بدنه ظروف، خطوط بریده بریده مایل زیر لبه، لوزی‌های متقاطع و خطوط مدور به داخل هم و همچنین نوارهای پهن به صورت افقی در وسط ظرف است. علاوه بر این در یک نمونه خطوط موج در بخش درونی ظرف زیر لبه قابل مشاهده است. با توجه به بررسی یافته‌های غار قمری می‌توان دریافت که در هزاره چهارم پیش از میلاد و همزمان با دوره گودین VII,2 در کنگاور از این غار برای سکونت استفاده شده است. استفاده از این غار برای سکونت با توجه به سفال‌های یافت شده در دوره مفرغ نیز تداوم داشته است. سفال‌های به‌دست آمده از غار قمری به مانند غارهای کنجی در خرم‌آباد (Emberling and et al. 2002) و غار بتخانه در کوه‌دشت (میرقادی و دیگران ۱۳۹۶) نشان می‌دهد که استقرار در این غار تا دوره مفرغ قدیم ادامه داشته است. افزایش شمار روستاهای یکجانشین کشاورز و دامپرور در دشت‌های میانکوهی گواه روشنی بر تثبیت و گسترش الگوی زندگی یکجانشینی در زاگرس مرکزی است. شواهد باستان‌شناختی از دشت‌های حاصلخیزی مانند کنگاور (Young 2004)، سرفیروزآباد کرمانشاه (میرقادی ۱۳۹۲) ماهیدشت (Levine 1974) و نیز کوه‌دشت (Goff 1971) نشان می‌دهد که در این دوره، تمرکز استقرارها به طور محسوسی به سمت مرکز دشت‌ها و مجاورت منابع آب دائمی (مانند رودخانه‌ها و چشمه‌ها) جابجا شده است. این الگوی استقراری، آشکارا بازتاب‌دهنده وابستگی فزاینده جوامع به کشاورزی آبی و دامپروری است و حاکی از آن است که در این مقطع زمانی، نظام‌های معیشتی مبتنی بر تولید غذا در زاگرس مرکزی به اوج رشد و بلوغ خود رسیده‌اند (Henrickson 2011). این توسعه‌ی چشمگیر، نشان‌دهنده یک تحول اقتصادی-اجتماعی عمیق است که در آن مدیریت منابع آب و



شکل ۱۲. طرح منتخبی از سفال‌های غار قمری (گمانه‌زنی سال ۱۳۴۴ فرانک هل و کنت فلنری) (طرح از معصومه بایزیدی).

شماره	نوع قلمه	قطر	ساخت	آموزه	کثیبت ساخت	رنگ			پوشش		نمونه قابل مقایسه
						بیرونی	خمسره	درونی	بیرونی	درونی	
۱	له	۶۱	دست ساز	سواد آبی همراه با شن و ماسه ریز	ظریف	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Gopnik & Rothman, 2011:127, fig.4.49-VI.2;
۲	له	۶۱	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	مربوط	مربوط	
۳	له	۱۸	دست ساز	سواد آبی همراه با شن و ماسه ریز	ظریف	نخودی	آجری	آجری	کشی رقیق	کشی رقیق	
۴	له	۱۸	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	آجری	آجری	آجری	کشی رقیق	کشی رقیق	Contentau & Ghirshman, 1935, pl.52
۵	له	۱۸	دست ساز	سواد آبی	متوسط	نخودی متمایل به آجری	نخودی متمایل به آجری	نخودی متمایل به آجری	کشی رقیق	کشی رقیق	Goff, 1971: Fig 6-22
۶	له	۱۶	دست ساز	سواد آبی	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Young & Levine, 1974: 97, fig27-3
۷	له	۱۲	دست ساز	سواد آبی	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Goff, 1971: Fig 6-22
۸	له	۲۶	دست ساز	سواد آبی همراه با شن و ماسه ریز	متوسط	آجری	خاکستری	آجری	کشی رقیق	کشی رقیق	Renette et al. 2021: 93.plate 12. 11
۹	له	۲۰	دست ساز	سواد آبی	متوسط	آجری	آجری	آجری	کشی رقیق	کشی رقیق	Gopnik & Rothman, 2011:127, fig.4.49-VI.2;
۱۰	له	۱۵	دست ساز	سواد آبی	متوسط	نخودی متمایل به قهوه‌ای	نخودی متمایل به قهوه‌ای	نخودی متمایل به قهوه‌ای	کشی رقیق	کشی رقیق	Renette et al. 2021: 89.plate 10-24-27
۱۱	له	۱۵	دست ساز	سواد آبی همراه با شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی متمایل به آجری	خاکستری	نخودی متمایل به آجری	کشی رقیق	کشی رقیق	Renette et al. 2021: 89.plate 10-24-27
۱۲	له	۱۰	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	آجری	آجری	آجری	کشی رقیق	کشی رقیق	Renette et al. 2021: 101.plate 16-4
۱۳	له	۱۰	دست ساز	سواد آبی	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Renette et al. 2021: 91.plate 11: 8
۱۴	له	۱۲	دست ساز	سواد آبی	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Renette et al. 2021: 89.plate 10-24-27
۱۵	له	۱۰	دست‌ساز	سواد آبی همراه با شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی زنبویی	نخودی زنبویی	نخودی زنبویی	دست مربوط	دست زیاد	Goff, 1971: Fig 7-14
۱۶	له	۱۰	دست‌ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Contentau & Ghirshman, 1935, pl.52
۱۷	له	۱۸	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	مربوط	دست مربوط	
۱۸	له	۹	دست ساز	سواد آبی همراه با شن و ماسه ریز	ظریف	نخودی روشن	نخودی روشن	نخودی روشن	دست مربوط	دست مربوط	Young & Levine, 1974: 97, fig27-3
۱۹	له	۹	دست ساز	سواد سستی	ظریف	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	کشی رقیق	کشی رقیق	Young & Levine, 1974: 97, fig27-3
۲۰	له	۱۲	دست ساز	شن و ماسه ریز	ظریف	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Goff, 1971: Fig 6-22
۲۱	بدنه	-	دست ساز	سواد آبی	متوسط	نخودی	نخودی م	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Henrickson, 1984: Fig. 137. 16
۲۲	بدنه	-	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	آجری	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	میردادی و دیگران ۱۳۹۶: ۵۶-۵۷ تصویر ۷ شکل ۷
۲۳	بدنه	-	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	کشی رقیق	کشی رقیق	Contentau & Ghirshman, 1935, pl.48.
۲۴	بدنه	-	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	آجری	آجری	آجری	-	-	معالایی و دیگران ۱۳۹۳: ۸۰- طرح ۱۳.۳
۲۵	کف	-	دست ساز	شن و ماسه ریز	متوسط	نخودی	نخودی	نخودی	مربوط	دست مربوط	Wright et al. 1975:144 fig 6t

جدول ۸. جدول مقایسه ای سفال های غار قمری

ماسور) و انتشار کامل داده‌های بایگانی شده این محوطه‌ها، گام بعدی و فوری‌تری انکارناپذیر برای تکمیل دانش ما از این بخش مهم منطقه زاگرس مرکزی به شمار می‌آید.

کاوش در غار قمری و بازیابی مجموعه سفال مرتبط با فرهنگ‌های مس‌وسنگ جدید و مفرغ قدیم، ضمن تایید استمرار استقرارهای غاری در هزاره چهارم پیش از میلاد، افق مهمی از برهمکنش پویا میان الگوهای معیشتی در دره خرم‌آباد با کنگاور، ماهیدشت و کوه‌دشت آشکار می‌سازد. همزمان مقایسه سفال‌های غار قمری با سنت سفالی گودین در کنگاور و فازهای هم دوره در کوه‌دشت، نشان از یکپارچگی نسبی سبک‌های سفالگری هزاره چهارم پیش از میلاد در گستره زاگرس مرکزی دارد، با این حال تفاوت‌های محلی در انتخاب مواد اولیه و فناوری، گویای تداوم سنت‌های بومی در ارتفاعات و به‌ویژه حاشیه دشت‌های میان‌کوهی است. تداوم استقرار در غار قمری در دوره‌ای که که جوامع یکجانشین روستایی در دشت‌های حاصلخیز به اوج شکوفایی خود رسیده بودند، بیانگر راهبردهای معیشتی چندگانه و پایداری راهبردهای نیمه کوچ‌نشینی به مثابه یک استراتژی مکمل و نه بازمانده‌ای از ادوار کهن‌تر است. بنابراین الگوی استقراری در دره خرم‌آباد در گذار از مس‌وسنگ به مفرغ را می‌توان متشکل از هسته‌های یکجانشین و پایگاه‌های فصلی در غارهایی مانند قمری و کنجی تعریف کرد؛ که از یک سو احتمالاً بر مبنای کشاورزی (آبی؟) و دامپروری متمرکز بوده و از سوی دیگر با بهره‌برداری از منابع ارتفاعی و مراتع پیرامونی، سازگاری اقتصادی انعطاف‌پذیر جوامع زاگرس‌نشین را در مواجهه با تغییرات محیطی و فشارهای جمعیتی به نمایش می‌گذارد.

### سپاس‌گزاری

از دکتر جبرئیل نوکنده رئیس کل موزه ملی ایران و خانم ام‌البنین غفوری مسئول بخش سفال موزه ملی ایران که اجازه دسترسی به یافته‌های بررسی خانم دکتر جودیت برمن و سفال‌های حاصل از کاوش غار قمری را فراهم کردند، سپاسگزاریم. همچنین از عباس باورسای و دکتر سعید بهرامیان برای تهیه نقشه‌های مورد نیاز از منطقه، از خانم معصومه بایزیدی برای طراحی سفال‌ها و همچنین از خانم مهتاب شاهرودی برای تهیه عکس از محوطه‌ها و منابع مورد نیاز تشکر و قدردانی می‌کنیم. از دکتر حامید نورسی، داریوش براتی و محمد نوجه‌دهی برای بررسی اولیه سفال‌ها سپاسگزاریم. در پایان از دکتر فریدون بیگلری معاون فرهنگی و مسئول بخش پارینه‌سنگی موزه ملی ایران و دکتر سجاد علی‌بیگی عضو هیئت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه برای ذکر نکات ارزنده و خواندن نسخه مقدماتی این مقاله صمیمانه سپاسگزاریم.

الگوی معیشتی نیمه‌یکجانشینی، به موازات یکجانشینی غالب، کماکان به حیات خود ادامه می‌داده است. این امر احتمالاً نشان از استراتژی معیشتی ترکیبی و چندوجهی برخی از گروه‌ها دارد که یا به دلایل فرهنگی، یا برای بهره‌برداری از منابع مکمل در فصول مختلف، حرکت بین سکونتگاه‌های دائمی و موقت را حفظ کرده‌اند. بنابراین، تصویری که از زاگرس مرکزی در این دوره ترسیم می‌شود، تصویری پویا و چندلایه است که در آن شیوه‌های نوین تولید غذا و استقرار پایدار، در کنار الگوهای سنتی کوچ‌نشینی و نیمه کوچ‌نشینی به حیات خود ادامه می‌دهند و غنای فرهنگی و انطباق‌پذیری ساکنان این منطقه را منعکس می‌کنند.

### نتیجه‌گیری

بررسی روشمند جودیت برمن در دره خرم‌آباد در سال ۱۳۵۷ و مجموعه سفال‌های به‌دست‌آمده از گمانه‌زنی فرانک هل در غار قمری در سال ۱۳۴۴، علیرغم ناتمام ماندن و انتشار نیافتن کامل، داده‌های بنیادین و بی‌بدیلی درباره سیر تحول استقرارهای پیش از تاریخ این منطقه فراهم می‌نمایند. یافته‌های این دو پروژه به وضوح نشان می‌دهند که دره خرم‌آباد، به‌واسطه موقعیت ارتباطی منحصر به فرد خود در مرز میان فلات مرکزی و سرزمین‌های پست خوزستان و نیز برخورداری از شرایط مطلوب زیست محیطی، از دوره پارینه‌سنگی میانه تا ادوار متأخر، پذیرای توالی پیوسته‌ای از فرهنگ‌های انسانی بوده است. شناسایی ۱۴۸ محوطه توسط برمن و تأکید وی بر وجود توالی‌هایی از نوسنگی جدید تا پایان مس‌وسنگ در محوطه‌هایی مانند باغ‌نو، دارایی و ماسور، این دره را به عرصه‌ای کلیدی برای مطالعه گذارهای فرهنگی دوره‌های مختلف در جنوب شرق زاگرس مرکزی تبدیل می‌کند.

تحلیل قدیم‌ترین سفال‌های این بررسی‌ها ضمن نشان‌دادن شباهت‌های آشکار با مجموعه‌های شناخته‌شده مناطق هم‌جوار (مانند سفال‌های نوع باغ‌نو با محوطه‌های سه‌گابی، گیان و سیلک)، ویژگی‌های متمایز محلی در فن‌ساخت و گونه‌شناسی را نیز آشکار می‌سازد. این امر مؤید آن است که دره خرم‌آباد در عین بهره‌مندی از جریان‌های فرهنگی فرامنطقه‌ای، بستر شکل‌گیری و تداوم سنت‌های بومی نیز بوده است. فقدان مختصات دقیق برای بسیاری از محوطه‌های شناسایی‌شده توسط برمن، اگرچه تحلیل‌های مکانی را با محدودیت مواجه می‌سازد، اما ارزش اصلی داده‌ها در ارائه یک چارچوب گاه‌شناختی نسبی و فرهنگی برای مواد پیش از تاریخ منطقه نهفته است. این چارچوب، سنگ‌بنایی ضروری برای طراحی پژوهش‌های آینده‌ای است که با رویکردهای دقیق‌تر مکانی، ژئوفیزیکی و تاریخ‌گذاری مطلق، می‌توانند نقش این گذرگاه راهبردی را در شبکه مبادلات فرهنگی و اقتصادی زاگرس به‌طور کمی و کیفی روشن‌تر سازند. حفاظت از محوطه‌های کلیدی در معرض تخریب (مانند باغ‌نو، دارایی و

## منابع

- بازگیر، بهروز و داوود داوودی  
۱۳۹۳ "گمانه‌زنی در غارهای گیلوران، کلد، قمری و پناهگاه  
صخره‌ای گراچنه، دره خرم‌آباد"، مقاله کوتاه دوازدهمین گردهمایی سالانه  
باستان‌شناسی ایران: ۷۴-۷۱.
- بهرامی، محمد و حسن فاضلی‌نشلی  
۱۳۹۵ "مروری بر وضعیت باستان‌شناسی دره خرم‌آباد در دوره نوسنگی  
و مس‌سنگ"، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران ۶(۱۰): ۲۷-۴۶.
- بیگلری، فریدون و سونیا شیدرنگ  
۱۴۰۵ "کاوش در غار قمری، دره خرم‌آباد"، مجموعه مقالات بیست و  
دومین گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و  
گردشگری، پژوهشگاه باستان‌شناسی (زیرچاپ).
- بیگ‌محمدی، خلیل‌الله و اردشیر جوانمردزاده  
۱۳۹۹ "مطالعه و گونه‌شناسی سفال‌های نوسنگی مکشوف از تپه‌ی  
پشت فرودگاه-دشت ملایر"، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۳۵، دوره  
دهم، صص ۵۲-۲۹.
- پرویز، احمد  
۱۳۸۸ گزارش بررسی و شناسایی دهستان کره‌گاه غربی شهرستان  
خرم‌آباد، مرکز اسناد میراث فرهنگی لرستان (گزارش منتشر نشده).
- خسروی، شکوه؛ پاتریک پدرسن، سجاد علی‌بیگی، جو رو، محسن حیدری  
دستناتی، بهزاد میلادی، حجت دارابی، توبیاس ریشتر و پدر مورتسن  
۱۳۹۹ "چشم‌انداز باستان‌شناختی دره رازور در دوره نوسنگی: بررسی  
استقرارهای هزاره‌های هشتم تا ششم پیش‌زمیلااد شمال استان کرمانشاه"،  
پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۶، دوره دهم، پائیز، ۳۲-۷.
- جوادی، محمدرضا و ویدا نوروز برازجانی  
۱۳۷۹ شناسایی مقدماتی تپه‌ها و معرفی غارهای دره خرم‌آباد (ج ۱ و  
۲). گزارش‌های منتشر نشده مرکز اسناد میراث فرهنگی لرستان، خرم‌آباد.  
مرکز اسناد میراث فرهنگی لرستان.
- درویش‌زاده، علی  
۱۳۷۰ زمین‌شناسی ایران، تهران: نشر دانش امروز.
- راولینسون، سر هنری  
۱۳۶۲ سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان). ترجمه سکندر  
امان‌اللهی بهاروند. تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- رائمن، میچل  
۱۳۹۵ "زیست‌بوم گودین‌تپه" در مسیر شاهراه: پژوهش‌های  
باستان‌شناختی در گودین‌تپه، به کوشش هیلاری گوپنیک و میچل  
رائمن، ترجمه محمد امین میرقادر و هادی صبوری، ۵۶-۴۱. تهران: مرکز  
دائرة‌المعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی).
- روستایی، کوروش؛ فریدون بیگلری، سامان حیدری‌گوران و حامد وحدتی‌نسب  
۱۳۸۰ "گزارش مقدماتی بررسی باستان‌شناختی محوطه‌های  
پارینه‌سنگی استان لرستان، زمستان ۱۳۷۹"، مجله باستان‌شناسی و تاریخ  
۱۱(۳۱): ۴۶-۶۴.
- سجادی، علی؛ نوروز رجبی و محمد بهرامی  
۱۳۸۷ گزارش دو فصل لایه‌نگاری محوطه قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد.  
مرکز اسناد اداره کل میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری استان لرستان  
(گزارش منتشر نشده).
- شراهی، اسماعیل  
۱۳۸۷ گمانه‌زنی به منظور تعیین عرصه و پیشنه‌ها حریم تپه قلعه  
سرسختی، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان  
مرکزی، (منشر نشده).
- صفایی‌راد، رضا؛ قاسم عزیزی، حسین محمدی و حمید علیزاده لاهیجانی  
۱۳۹۳ "بازسازی تغییرات اقلیمی هُلوسن و پلیستوسن پسین منطقه  
زاگرس‌میانی با استفاده از شواهد گرده‌شناسی تالاب هشیلان"، جغرافیا و  
مخاطرات محیطی ۱۱: ۱۹-۱.
- علی‌بیگی، سجاد  
۱۳۹۰ "تپه سراب یاوری: محوطه‌ای با سفال‌های بچه‌قورباغه‌ای دوره  
نوسنگی در غرب کرمانشاه"، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی، مدرس ۴ و  
۴۹-۴۴.
- قبادی‌زاده، حمزه  
۱۴۰۴ گمانه‌زنی به‌منظور لایه‌نگاری قلعه فلک‌الافلاک استان لرستان،  
شهرستان خرم‌آباد. گزارش منتشر نشده، شماره ثبت ۱۴۴۲.
- گراوند، مرتضی  
۱۳۹۰ "گزارش بررسی باستان‌شناسی دهستان کره‌گاه شرقی خرم‌آباد"،  
باستان‌شناسی ایران (۲)، ۸۸-۷۵.
- مطیعی، همایون  
۱۳۷۲ زمین‌شناسی ایران (چینه‌شناسی زاگرس)، سازمان زمین‌شناسی،  
چاپ نخست.
- محمدی قصریان، سیروان  
۱۴۰۴ "سفال منقوش سه گابی"، پیام باستان‌شناس، ۱۷(۳۲)، ۳۰-۱۹.

## References

- Abdi, K., G. Nokandeh, A. Azadi, F. Biglari, S. Heydari, D.-Farmani, A. Rezaei, and M. Mashkour  
2002 "Tuwah Khoshkeh: A Middle Chalcolithic Mobile Pastoralist Camp-Site in the Islamabad Plain, West Central Zagros Mountains, Iran." *Iran* 40: 43-74.
- Adams, Robert McC.  
1965 *Land Behind Baghdad*. Chicago: University of Chicago Press.
- Berman, J.  
1978. "The 1978 Khorramabad Survey, Preliminary Report." Tehran: Iranian Center for Archaeological Research.
- Braidwood, R. J.  
1960 "Seeking the World's First Farmer in Persian Kurdistan: A Full-Scale Investigation of a Prehistoric Site Near Kermanshah." *The Illustrated London News* 237(6325).
- Childe, V. G. -  
1934 *New Light on the Most Ancient East*. London: Routledge & Kegan Paul Ltd.
- Contenau, G. and R. Ghirshman-  
1935 *Fouilles de Têpe Giyan, près de Nahavend, 1931 et 1932*. Série Archéologique (3). Paris: Geuthner.

- Field, H.  
1951. "Reconnaissance in Southwestern Asia." *Southwestern Journal of Anthropology* 7: 86–102.
- Goff, C. L.  
1971 "Luristan before the Iron Age." *Iran* 9: 131–152.
- Henrickson, E. F.  
1985 "The Early Development of Pastoralism in the Central Zagros Highland (Luristan)." *Iranica Antiqua* 20: 1–42.
- 1983 *Ceramic Styles and Cultural Interaction in the Early and Middle Chalcolithic of Central Zagros, Iran*. Doctoral Dissertation, Department of Anthropology, University of Toronto.
- Henrickson, R. C.  
2011 "The Godin Period III Town". In: Hilary Gopnik and Mitchell S Rothman (eds.), *On The High Road: The History of Godin Tepe Iran, Bibliotheca Iranica, Archaeology Art and Architecture Series* 1: 209-282.
- Herzfeld, E.  
1929 "Bericht über Archäologische Beobachtungen im Südlichen Kurdistan und in Luristan." *AMI* 1: 65–67.
- Hole, F.  
2007 "Cycles of Settlement in the Khorramabad Valley in Luristan, Iran." In *Settlement and Society: Essays Dedicated to Robert McCormick Adams*, edited by Elizabeth C. Stone, 63–82. Los Angeles: Cotsen Institute of Archaeology & The Oriental Institute of the University of Chicago.
- Hole, F. and K. V. Flannery  
1968 "The Prehistory of Southwestern Iran: A Preliminary Report." *Proceedings of the Prehistoric Society* 33: 147–206.
- Hole, F., K. V. Flannery and J. A. Neely-  
1969 *Prehistory and Human Ecology of the Deh Luran Plain*. Memoirs of Museum of Anthropology 1. Ann Arbor: University of Michigan.
- Kleiss, W.  
1975 "Vorislamische Ruinen im Nordlichen Zagros." *AMI* 8: 133–140.
- Levine, L. D.  
1974 "Archaeological Investigations in the Mahidasht, Western Iran." *Paléorient* 2: 487–490.
- 1975 "Survey in the Province of Kermanshahan, 1975: Mahidasht in the Prehistoric and Early Historic Periods." In *Proceedings of the 4th Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, edited by F. Bagherzadeh, 284–297. Tehran: Iranian Centre for Archaeological Research.
- Levine, L. D. and M.A. McDonald  
1977 "The Neolithic and Chalcolithic periods in the Mahidasht". *Iran* 15: 39–50.
- Levine, L. and C. J. Young  
1986 "A Summary of the Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C." In *Colloques Internationaux CNRS, Préhistoire de la Mésopotamie*, 15–53. Paris: Éditions du CNRS.
- 1987 "A Summary of Ceramic Assemblages of the Central Western Zagros from the Middle Neolithic to the Late Third Millennium B.C." In *Préhistoire de la Mésopotamie*. Paris: Éditions du CNRS.
- McDonald, M. M. A.  
1979 *An Examination of Mid-Holocene Settlement Patterns in the Central Zagros Region of Western Iran*. PhD diss., University of Toronto.
- Meldgaard, J., P. Mortensen and H. Thrane  
1963 "Excavations at Tepe Guran, Luristan." *Acta Archaeologica* 34.
- Mohammadi Ghasrian, S.  
2025 "Lone Sequence of Red Slipped Potteries in the Prehistory of Western Iran: Investigation from Late Neolithic to the End of Chalcolithic Period". *Parseh J Archaeol Stud*, 9(33): 7-27.
- Mohammadi Ghasrian, S., O. Ghafori and M. Zamani Dandaneh  
2025 "The Halaf period in western Iran: New insights into the Late Neolithic-Early Chalcolithic J ware of the Mahidasht 1975-78 survey project" *Ash-sharq (Bulletin of the Ancient Near East Archaeological, Historical and Societal Studies)*, Vol 9 No 2 Pp: 303-320.
- Mortensen, P. -  
1974 "A Survey of Prehistoric Settlements in Northern Luristan." *Acta Archaeologica* 45: 1–47.
- Renette, S., & S. Mohammadi Ghasrian-  
2020 "The central and northern Zagros during the Late Chalcolithic: An updated ceramic chronology based on recent fieldwork results in western Iran." *Paléorient. Revue pluridisciplinaire de préhistoire et de protohistoire de l'Asie du Sud-Ouest et de l'Asie centrale*, (46 1-2), 109-132.
- Roustaei, K.; H. Vahdati Nasab, H. Biglari, F. Heydari Goran, S. Clark G.A. and Lindly, J. M.  
2004 "Recent Paleolithic Surveys in Luristan". *Current Anthropology*. 45: 692-707.

- Stevens, L. R., E. Ito, A. Schwalb and H. E. Wright Jr. -  
2006 "Timing of Atmospheric Precipitation in the Zagros Mountains Inferred from a Multi-Proxy Record from Lake Mirabad, Iran." *Quaternary Research* 66: 494-500.
- Stevens, L. R., H. E. Wright Jr., and E. Ito-  
2001 "Proposed Changes in Seasonality of Climate during the Late Glacial and Holocene at Lake Zeribar, Iran." *The Holocene* 11(6): 747-755.
- Van Zeist, W., and H. E. Wright Jr.  
1963 "Preliminary Pollen Studies at Lake Zeribar, Zagros Mountains, Southwestern Iran." *Science* 140: 65-67.
- Van Zeist, W., and S. Bottema  
1977 "Palynological Investigations in Western Iran." *Palaeohistoria* 19: 19-85.
- 1991 *Late Quaternary Vegetation of the Near East*. Beihefte zum Tübinger Atlas des Vorderen Orients 18. Wiesbaden, Germany: Reichert Verlag.
- Wright, H. T., and E. Carter  
2003 "Archaeological Survey on the Western Ram Hormuz Plain, 1969." In *Yeki Bud, Yeki Nabud: Essays on the Archaeology of Iran in Honor of William M. Sumner*, edited by N. F. Miller and K. Abdi. University of California, Los Angeles.
- Wright, Henry T. and Gregory A. Johnson  
1975 "Population, Exchange and Early State Formation in Southwestern Iran." *American Anthropologist* 77: 267-289.
- Wright, Henry T., J. A. Neely, G. A. Johnson, and J. Speth  
1975 "Early Fourth Millennium Developments in Southwestern Iran." *Iran* 13: 129-148.
- Young, T. C.  
1966 "Survey in Western Iran, 1961." *Journal of Near Eastern Studies* 25: 228-230.
- 1975 "An Archaeological Survey of the Kangavar Valley." In *Proceedings of the IIIrd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran*, Tehran, 23-30.
- Young, T. C. and Phillip E. L. Smith-  
1966 "Research in the Prehistory of Central Western Iran." *Science* 153: 386-391.